

حکمرانی خوب : اکولوژی متعادل

دکتر غلامرضا معمارزاده *

دکتر جواد جاسبی **

دکتر ندا نفری ***

چکیده

حکمرانی خوب از جمله مباحث مطرح در زمینه توسعه کسورهاست. در دو دهه اخیر پژوهشگران و اندیشمندان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روایت های گوناگونی از حکمرانی خوب بدست داده اند. هر یک از این رهیافت ها حکمرانی خوب را با ابعاد و ویژگیهای خاصی تعریف نموده اند.

مقاله پیش رو سعی دارد ضمن مروری کوتاه بر ادبیات موضوع، با جمع بندی تعاریف حکمرانی و با نگاهی تازه به بازخوانی این مقوله پرداخته و الگویی نوین از حکمرانی خوب ارائه نماید. در این راستا با بهره گیری از دو مفهوم "اکولوژی" و "تصمیم گیری"، سه ویژگی اصلی حکمرانی خوب یعنی "کارایی"، "اثربخشی" و "تعادل اکولوژیک" مطرح می گردد. از نگاه این مقاله حکمرانی یک مفهوم چند وجهی است که شامل تمام جنبه های اعمال اقتدار می شود به همین دلیل هر یک از ابعاد کارایی و اثربخشی به مولفه هایی در حوزه های اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقسیم شده است که نمایانگر تاکید این مقاله بر چند وجهی بودن حکمرانی است. برای هر یک از حوزه ها؛ ویژگیها و شاخص هایی ارائه می شود. پس از آن با ترسیم نمودار دو بعدی تعادل کارایی و اثربخشی و طرح موضوع انواع تعادل در بافت اکولوژی کشورها، ضمن طبقه بندی آنها بر اساس نمودار فوق به بررسی وضعیت حکمرانی در چهار حالت مختلف بر روی نمودار مبادرت خواهد شد و در نهایت با عنایت به جایگاه متفاوت حکمرانی ها نسبت به خط تعادل، استراتژی هایی جهت برقراری موازنه بین دو بعد مذکور پیشنهاد می گردد.

این مقاله حکمرانی خوب را نتیجه برقراری تعادل بین دو بعد کارایی و اثربخشی و توأم با آن افزایش مستمر هر دو بعد و حرکت به سمت سطوح بالاتر خط تعادل می داند. به سخن دیگر توسعه حاصل تعادل و روند افزایشی کارایی و اثربخشی است.

واژگان کلیدی :

حکمرانی خوب^۱، سیستم، اکولوژی، تصمیم گیری^۲، کارایی^۳، اثربخشی^۴، تعادل^۵

* استادیار، عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (gmemar@gmail.com)
تهران- بزرگراه اشرقی اصفهانی- به سمت حصارک- دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
** دانشیار، عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (jassbi@gmail.com)
تهران- بزرگراه اشرقی اصفهانی- به سمت حصارک- دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
*** دانش آموخته دکتری مدیریت دولتی، (گرایش خط مشی گذاری) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (nedanafari@yahoo.com)
تهران- بزرگراه اشرقی اصفهانی- به سمت حصارک- دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

نویسنده مسئول یا طرف مکاتبه : دکتر ندا نفری

1. Good Governance
2. Decision Making
3. Efficiency
4. Effectiveness
5. Equilibrium

مقدمه

پاسخگویی دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون، شایستگی دولتی (UNDP, 2002).

هم‌اکنون بانک جهانی نیز با ارزیابی شرایط زندگی در درون کشورها از بُعد "نرم‌افزارانه‌تر" به موضوع "حکمرانی خوب" می‌نگرد. در تازه‌ترین گزارشی که از بانک جهانی درباره وضعیت حکمرانی کشورها در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ بدست آمده است^۸، شش ویژگی مورد ارزیابی قرار گرفته که عبارتند از: صدا و پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد (Kaufmann & etal, 2002; Kaufmann & etal, 2006). از نظر بانک جهانی "حکمرانی بد" با عناوین شخصی نمودن قدرت، فقدان حقوق بشر، فساد نهادینه شده (بومی)، دولت‌های غیرپاسخگو و غیرمنتخب، مترادف است و طبیعتاً حکمرانی خوب بر عکس موارد ذکر شده خواهد بود (Weiss, Thomas G, 2000, 7-8).

مطابق آنچه آمد، تعاریف و ویژگیهای حکمرانی خوب به تعداد اندیشمندان و پژوهشهای انجام شده، گسترده و متنوع است. لذا مقاله پیش رو در بخش دوم به بررسی تعاریف حکمرانی می‌پردازد. در بخش سوم به جمع بندی تعاریف حکمرانی و ویژگیهای حکمرانی خوب مبادرت می‌ورزد. در بخش چهارم، سعی دارد جوهره و مهمترین عناصر حکمرانی را بیابد و پس از آن با استدلال بر مبنای ادبیات، ویژگیهای ضروری جوهره حکمرانی را استخراج نماید. در بخش پنجم، با طرح نمودار تعادل، انواع حالات و روابط بین ویژگیهای حکمرانی خوب تبیین و استراتژی‌هایی در راستای بهبود این روابط و ایجاد تعادل پیشنهاد می‌شود و نهایتاً در بخش پایانی نکاتی چند در قالب نتایج پژوهش ارائه می‌گردد.

مروری بر تعاریف حکمرانی

در فرهنگ آکسفورد^۹ "حکمرانی" اینگونه معنا شده است: فعالیت یا ابزار اعمال قدرت.

همانطور که اصطلاح دموکراسی و توسعه با رویکردهای سوسیالیستی^۱، لیبرالیستی^۲ و فرآیندی^۳ مورد تحلیل قرار گرفته است، "حکمرانی خوب" نیز اصطلاحی است که محافل علمی و کشورهای گوناگون بر حسب نوع هدف، گرایش به یک نهاد خاص و شیوه دستیابی، از آن تعاریف متفاوتی بدست داده اند و برای آن ویژگیهای متنوعی برشمرده اند. حکمرانی خوب اولین بار توسط اقتصاددانان به کار برده شد، اما خیلی زود توسط سازمان‌های مستقل توسعه و محافل سیاسی به‌ویژه در زمینه کمک به کشورهای دیگر (کشورهای در حال توسعه) مورد استفاده قرار گرفت (Landman, 2003).

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ اصطلاح حکمرانی خوب توسط بانک جهانی (1992) مطرح شد و تاکید آن بر تصمیماتی بود که امکان تاثیر گذاری بر عملکرد اقتصادی کشورها را فراهم می‌ساخت. بعدها علاوه بر "بعد اقتصادی"^۴، "بعد سیاسی"^۵ نیز به آن افزوده شد. تعاریف دهه‌های اخیر حکمرانی خوب شامل دموکراتیزه نمودن سیاست (انتخابات، پاسخ‌گویی و حقوق بشر) و "آزادسازی اقتصادی"^۶ بوده است. هم‌اکنون رویکرد تازه مجامع جهانی و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، رویکردی انسانی و نرم‌افزاری است.

ویژگیهایی که بانک جهانی در ۱۹۹۲ برای سنجش حکمرانی خوب برشمرده عبارتند از: مدیریت بخش دولتی، پاسخ‌گویی سازمانی، حاکمیت قانون، شفافیت در تصمیم‌گیری، دستیابی به اطلاعات

ایده‌ی بانک جهانی توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، اتحادیه اروپا^۷ و سازمان‌های وابسته به آنها، به عنوان الزام جهت کمک‌های توسعه به کار رفت. بعدها به وسیله‌ی برنامه توسعه ملل متحد یک بعد سیاسی نیز به آن افزوده شد که عبارتند از ویژگیهای: مشروعیت دولتی،

1. Socialistic
2. Liberalistic
3. Process
4. Economical Dimension
5. Political Dimension
6. Economical Liberalization
7. European United

8. presented in : www.govindicators.org

9. New Oxford International Dictionary

سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه^۸ در بیانیه ۱۹۹۵ خود از واژه حکمرانی مطابق با تعریف بانک جهانی استفاده نمود.^۹ بکارگیری اقتدار سیاسی و اعمال کنترل در جامعه و مدیریت منابع، به منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی^{۱۰} (OECD, 2005). این تعریف شامل نقش اقتدار دولتی در تعیین و ساخت محیطی است که فعالان اقتصادی به انجام وظیفه می پردازند، تعیین نحوه توزیع منافع و تعیین ماهیت روابط حاکمان و حکومت شوندگان می شود^{۱۱} (weiss, 2000).

مطابق تعریف کمیسیون حکمرانی جهانی^۹ حکمرانی عبارت است از: مجموعه ای از شیوه های انفرادی، تشکیلاتی، بخش خصوصی و بخش دولتی است که امور عمومی را اداره (مدیریت) می نماید. حکمرانی فرایندی مداوم است که از طریق آن امکان سازگاری بین منافع گوناگون و متضاد فراهم آمده و کنش همکارانه تحقق می یابد.

حکمرانی شامل نهادها و قوانین رسمی است که توانایی به اطاعت واداشتن را دارند و در عین حال شامل مناسبت های غیر رسمی که مردم و نهادها بر آن توافق نموده اند و در جهت منافعشان می پندارند، نیز اطلاق می شود.^{۱۲}

تعریف برنامه توسعه سازمان ملل از حکمرانی خوب: حکمرانی به معنای اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری جهت اداره امور کشور در تمام سطوح است.

حکمرانی شامل مکانیسم ها، فرایندها و نهادهاست که از طریق آنها شهروندان و گروهها خواسته ها و منافع خود را بازگو می کنند، به حقوق قانونی خود می رسند، به تعهداتشان عمل می کنند و اختلافاتشان را حل می کنند (weiss, 2000, 795-796).

جف هاتر و انور شاه^{۱۱} در مقاله اینترنتی خود حکمرانی را یک مفهوم "چند وجهی"^{۱۱} می دانند که شامل تمام جنبه های اعمال اقتدار می شود و از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی به مدیریت منافع کشور می پردازد.

"در فرهنگ لغات بین المللی وبستر^۱ واژه Governance مترادف با حکومت، حکمرانی، فرمانروایی، امارت، زمامداری، نظارت، اداره، تدبیر و تمشیت امور معنا شده است. منظور از واژه حکمرانی تاکید بر تدبیر خردمندانه امور است به گونه ای که منجر به نتایج مطلوب گردد. از نظر آلبرو^۲ (2001, 151) حکمرانی یعنی: "مدیریت جامعه بوسیله مردم."

اسکنیدر^۳ (1999, 7) می گوید: حکمرانی یعنی "بکارگیری اقتدار یا کنترل برای اداره منابع و امور یک کشور." یکی از تعاریف حکمرانی تعریفی است که بانک جهانی^۴، کمیته همکاریهای توسعه^۵، سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه، برنامه توسعه ملل متحد و موسسات و سازمانهای بین المللی توسعه بر آن اتفاق نظر دارند: حکمرانی یعنی "سیستم پیچیده ای از تعاملات بین ساختارها، سنتها، کارکردها (مسئولیت ها) و فرآیندها (عملکردها) که بوسیله سه ارزش کلیدی یعنی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می شود"^۶ (UNDP, 2002, 2).

کورت^۷ (2002, 5) در پروژه ای جمعی برای ارزیابی حکمرانی خوب، حکمرانی را ایجاد (صورت بندی) و بکارگیری قوانین رسمی و غیر رسمی می داند که باعث نظم در قلمرو عمومی می شود، یعنی حیطه ای که دولت، بخش های اقتصادی و اجتماعی جهت تصمیم سازی به تعامل می پردازند.

کافمن و همکارانش^۸ (1999, 1) حکمرانی را به گونه ای گسترده تر تعریف می کند: قوانین و نهادهایی که بوسیله قدرت حاکمه در یک کشور ایجاد می شوند، این قوانین و نهادها شامل موارد ذیل است:

فرایندهایی که توسط دولت ها انتخاب، کنترل و جایگزین می شوند.

ظرفیت برای ایجاد و اجرای کارآمد خط مشی های معتبر. توجه شهروندان و دولت نسبت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی بین آنها را سبب می شود.

1. New Webster's International Dictionary

2. Albrow

3. Schneider

4. WB (World Bank)

5. DAC (Development Association Committee)

6. Court

7. Kaufmann et al.

8. Organization Of Economic cooperations and Development

9. Commission on Global Governance.

10. Jeff Hutter and Anwar Shah, applying a simple measure of good

Governance to the Debat on fiscal.4

11. Multi-facted

شکل رژیم سیاسی

- فرایندی که بوسیله آن اقتدار (اختیار) به منظور مدیریت اقتصادی کشور و منابع اجتماعی در جهت توسعه اعمال می شود.
 - ظرفیت حکومت‌ها برای طراحی، فرموله کردن و اجرای خط مشی‌ها و انجام وظایف
- انسستیتو بین المللی علوم اداری^۶ حکمرانی را اینگونه تعریف می کند: حکمرانی به فرآیندی اطلاق می شود که به موجب آن عوامل اجتماعی قدرت و اقتدار (اختیار) را اعمال می کنند و بر خط مشی‌ها و تصمیماتی که مرتبط با حیات عمومی و توسعه اقتصادی و اجتماعی است تاثیر گذاشته و به اجرای آن‌ها می پردازند. حکمرانی واژه‌ای گسترده تر از دولت است. حکمرانی متضمن تعامل بین نهادهای رسمی و جامعه مدنی است.
- از نظر انسستیتو تکنولوژی توکیو^۷: مفهوم حکمرانی به مجموعه پیچیده‌ای از ارزشها، هنجارها، فرایندها و نهادهایی اطلاق می شود که بوسیله آنها جامعه به طور رسمی و غیر رسمی به اداره فرایند توسعه و رفع تعارضات می پردازد. حکمرانی مستلزم حکومت^۸، جامعه مدنی (فعالان اجتماعی و اقتصادی، نهادهای جامعه محور^۹ و گروههای ساختار نیافته^{۱۰}، رسانه‌ها و غیره) می شود که در تمام سطوح، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی معنا می یابد.
- دائر المعارف گاورنس-ویکیپدیا^{۱۱} حکمرانی را اینگونه تعریف نموده است: حکمرانی شامل فرایندها و سیستم‌هایی می شود که یک سازمان یا یک جامعه بوسیله آن عمل می نماید.
- مطابق تعریف گیلبر و اوزبورن^{۱۲} (1993) در کتاب "بازسازی حکمرانی": "حکمرانی یعنی" فرایندی که بوسیله آن به طور جمعی مسائل را حل می کنیم و نیازهای اجتماعی خود را برطرف می سازیم - دولت ابراز است که ما از آن استفاده می کنیم.

از دیدگاه انسستیتو حکمرانی اوتاوا^۱ حکمرانی ترکیبی است از سنت‌ها (قواعد و آداب و رسوم) نهادها و فرآیندهایی که تعیین می کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می گردد (Gerham & etal, 2003).

مطابق تعریفی که انسستیتو حکمرانی اوتاوا ارائه می دهد، حکمرانی شامل نهادها، فرایندها و قراردادهایی است که در یک جامعه تعیین می کند:

چه کسی قدرت را اعمال می کند؟

چگونه تصمیمات مهم و اثربخش اجتماعی اتخاذ می شود؟ چگونه منافع گوناگون با چنین تصمیماتی در یک نقطه متمرکز شده به همگرائی می رسند؟ (weiss, 2000)

واژه "حکمرانی" در کل به روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین یک جامعه و حکومت آن جامعه و یا بین یک سازمان و اداره کنندگان آن اطلاق می شود. حکمرانی اغلب به عنوان هنر گرداندن جوامع و سازمان‌ها اطلاق می شود (Gerham & etal, 2003).

از نظر کرین باکر^۲ حکمرانی فرایندی است که در آن ذینفعان خواسته‌های خود را تعیین می کنند، منابع ورودی را ارائه می دهند، تصمیم گرفته و اجرا می کنند و نهایتاً تصمیم گیرندگان به پاسخگویی می پردازند. مطابق این تعریف حکمرانی شامل ساختارهای رسمی حکومت و حتی گسترده تر از آن است.

از نظر "جیمز روزنا"^۳ عضو فرهنگستان سازمان ملل متحد^۴، چه در سطح ملی یا جهانی، حکمرانی شامل فعالیت‌های دولت‌ها است و در عین حال شامل تعداد زیادی از کانلهایی است که از طریق آنها جریان دستورات به شکل اهداف معین می شوند، رهنمودها ارائه می گردند و خط مشی‌ها تعقیب می شوند (weiss, 2000).

بانک جهانی^۵ حکمرانی را شیوه اعمال قدرت در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی یک کشور می داند و به سه جنبه متمایز در حکمرانی اشاره می کند:

6. International Institute of Administrative sciences

7. Tokyo Institute of Technology

8. State

9. Community-Based.

10. None-structured

11. <http://www.wikipedia>

12. Osborn and Gaebler

1. Institute on Governance Ottawa

2. Karen Bakker, Good Governance in Restructuring water supply

3. James Rosenau

4. United Nations

5. World Bank

اهدافی که دنبال می‌کرد، به بیان چند ویژگی خاص پرداخته که قادر به پوشش دادن مجموعه ویژگی‌های حکمرانی خوب نبوده است.

چهارم، حکمرانی خوب یک عبارت هنجاری است. در واقع اوصاف خوب-بد، قوی-ضعیف، تعالی...، همه به نوعی گزاره‌های ارزشی^۲، هنجاری^۳، تجویزی^۴ می‌سازند. دلایل هنجاری بودن حکمرانی خوب در سه ساحت قابل طرح است.

نکته اول آنکه، تفاوت میان سیاقها و موقعیتها سبب می‌شود تا مجموعه‌ای از ویژگیهای متنوع در باب حکمرانی خوب مطرح گردد. در واقع جدال‌هایی که در باره شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد، از نوع ایدئولوژی - بومی است. آنچه که برای ارزیابی و سنجش حکمرانی انتخاب می‌شود براساس نوع اداره عمومی و چارچوبهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی... کشورها است. این اختلاف هم در تعداد و نوع و هم در تفسیر و تعریف ویژگیها قابل مشاهده است. خصوصیات هنجاری این چارچوبها سبب موقعیتی می‌شود که حتی ویژگیهای مشابه، تفاسیر متفاوت و متنوعی داشته باشد. به عنوان مثال پدیده‌هایی مانند درخت، آب، میز، پنجره... معنای تقریباً یکسانی در ذهن آدمی ایجاد می‌کنند، در صورتیکه تعدد و تکثر معانی ویژگیهای حکمرانی خوب نمایانگر هنجاری بودن این اصطلاح است.

بعلاوه مفاهیمی همچون حمایت جامع و کامل از حقوق بشر، قوانین بدون تبعیض، پاسخگویی سازمان‌های دولتی در قبال تصمیمات اتخاذ شده، واگذاری منابع و تصمیمات به سطوح مجلی، مشارکت معنی‌دار شهروندان در مباحث خط‌مشی‌گذاری و انتخابات عمومی، آزادی، عدالت و... که به عنوان ویژگیها و اجزاء حکمرانی خوب مطرح می‌شوند، همگی مفاهیم ارزشی هستند که دستیابی به آنها نیازمند شناخت و تعریف دقیق شاخصهای عملیاتی است. به سخن دیگر خود ویژگی‌هایی که تحت عنوان اجزاء و ارکان حکمرانی خوب انتخاب می‌شوند دارای خاصیت هنجاری و ارزشی هستند که می‌بایست بنا به اقتضاء و شرایط، معنا و معیارهای ارزیابی آنها تعیین گردد.

از نظر کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در حوزه آسیا و اقیانوسیه^۱ حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی است که بوسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند (یا اجرا نمی‌شوند) حکمرانی بر فعالان رسمی و غیر رسمی که درگیر تصمیم‌گیری و اجرای آن هستند، ساختارهای رسمی و غیر رسمی که در آنجا تصمیمات اخذ و اجرا می‌شود، تمرکز دارد.

جمع‌بندی تعاریف ویژگی‌های حکمرانی خوب و بیان مسئله پژوهش

نخست آنکه حکمرانی خوب به عنوان بوجود آورنده روابط متقابل، حمایت‌کننده و همکارانه بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی معرفی شده است. ماهیت روابط بین این سه گروه فعال و ضرورت مکانیسم‌های قدرتمند برای تسهیل تعامل بین آنها جزء مفروضات مهم و اساسی تلقی می‌شود.

دوم، حکمرانی خوب به عنوان مفهومی که دارای چنین ویژگیهایی باشد: مشارکت، شفافیت در تصمیم‌سازی، پاسخگویی، حاکمیت قانون، توانایی پیش‌بینی آینده، اعمال دموکراتیک، آزادی‌های مدنی... تعریف شده است.

سوم، در یک جمع‌بندی این نتیجه به دست آمد که تعدادی از مطالعات و تحقیقات، توسعه و ویژگی‌های حکمرانی خوب را یک مفهوم فرایندی - کارکردی، و برخی آن را در قالب نتایج و برون‌دادها صورت‌بندی نموده‌اند. بعنوان مثال عده‌ای از پژوهشگران به بیان ویژگی‌هایی نظیر عدالت، حق اظهار نظر و اعتراض... پرداخته‌اند که صرفاً نشان‌دهنده مظاهر و تجلیات توسعه است و به جوهره توسعه که ترکیبی از نهادها و فرایندهاست و عدالت و آزادی منبعث از آنهاست توجهی نکرده‌اند. برخی از محققان و محافل علمی بر ابزار تحقق حکمرانی خوب تمرکز نموده‌اند و ویژگیهایی نظیر خط‌مشی‌های کلان اقتصادی، تخصیص کارآمد منابع، کیفیت اداره دولتی و بوروکراسی... را به عنوان مشخصه‌های اصلی حکمرانی خوب برشمرده‌اند. در مجموع هر یک از تحقیقات بنا بر نوع رویکرد، تأکید و

2. Evaluative
3. Normative
4. Prescriptive

1. Commission In Asia And Pacific United Nations Economic and social

کشورها ارزیابی و تجویزهای لازم را بعمل آورد. مع الوصف، پرسش آغازین این مقاله اینگونه صورت بندی شده است: "چگونه میتوان الگویی به منظور تبیین ویژگیهای بنیادین حکمرانی خوب، طراحی نمود؟"

تبیین دیدگاه مقاله در باب تعریف حکمرانی و ارائه الگوی پیشنهادی حکمرانی خوب

از نگاه این پژوهش، حکمرانی نه تنها درباره چگونگی اعمال قدرت است بلکه درباره نتایج و پیامدهای قدرت نیز میباشد. بنابراین درک کامل واقعیت پیچیده حکمرانی هنگامی میسر می شود که تمام ساختارها، فرایندها، بازیگران، کارکردها و اهداف را در ارتباطی تعاملی در برگیرد. منظور از چگونگی و نتایج اعمال قدرت همان فرایند تصمیم گیری است. اگر تصمیم گیری را با رهیافت فرایندی-سیستمی توصیف نماییم، شامل سه مرحله اساسی اخذ تصمیم، اجرای تصمیم و ارزیابی نتایج بدست آمده خواهد بود. البته تصمیم گیری را با شیوه ها و رویکردهای گوناگون تعریف نموده اند، بطور مثال تصمیم گیری یعنی یک انتخاب از بین چند گزینه، تصمیم گیری یعنی یک جریان فکری، تصمیم گیری یعنی یک فرایند (رضایان، ۱۳۸۵؛ الوانی، ۱۳۷۹؛ الوانی، ۱۳۶۹؛ فخری، ۱۳۷۹). به لحاظ واژه شناسی نیز واژه حکمرانی بیشتر به معنای تدبیر خردمندان امور در نظر گرفته شده است.

از آنجا که فرایند تصمیم گیری در حوزه های گوناگون عمل اجتماعی نظیر سیاست، اقتصاد، اداره... و توسط بازیگران و فعالان مختلف مانند دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی و با اهداف و ارزشهای متنوع و احیاناً متضاد انجام می گیرد، بیشتر به یک اکولوژی شباهت دارد تا یک سیستم منفرد و تک منظوره.

مقاله حاضر جوهره حکمرانی را ترکیبی از دو مفهوم "اکولوژی" و "تصمیم گیری" می داند. به تعبیر دیگر حکمرانی، اکولوژی تصمیم گیری است بگونه ای که شامل تمام جنبه های اعمال اقتدار (سیاسی، اقتصادی، اداری، اجتماعی) و نتایج حاصل از آن می شود.

اکولوژی ها، تمام ویژگی های سیستم ها را دارا هستند و مفاهیم و کاربردهای نظریه عمومی سیستم ها در آن

از سویی دیگر حکمرانی خوب وسیله ای است برای دست یافتن به یک یا چند هدف مطلوب. حکمرانی خوب برای چه؟ پاسخ به این سؤال متفاوت است و بستگی دارد به ماهیت "چه". برای مثال "حکمرانی به منظور کاهش فقر"، حکمرانی برای توسعه اقتصادی و کارایی "و... بنابراین شاخص های اندازه گیری حکمرانی خوب بوسیله تعیین نتایج مطلوب شناخته می شوند. در نتیجه مجموعه متفاوتی از ویژگیها برای ارزیابی حکمرانی مورد استفاده قرار می گیرد که به ماهیت نتایج مورد انتظار در سؤالها بستگی دارد.

همانطور که "فرد ریگز" دانشمند توسعه بیان داشته است: "چشم انداز وضعیت مطلوب در نگاه انسانها و نظام های سیاسی بسیار متنوع و گسترده است. اهداف توسعه چندگانه اند، این اهداف نه تنها با ارتقاء سطح تولید و مصرف سرو کار دارد، بلکه دغدغه آزادی، عدالت، امنیت و یکپارچگی انسانها را نیز برعهده دارد. در این معنا توسعه بگونه ای اجتناب ناپذیر "ارزش مدار" است. اما لزوماً از میان ارزشها، اولویتی را تعیین نمی کند. امکان دارد در طی دوره ای بر اهداف آزادی و مساوات تاکید شود و زمانی دیگر افزایش تولید و کاستن از فقر اولویت یابد" (Riggs, 1970, 27).

تعریف ثابتی وجود ندارد، اما عقاید زیادی درباره آنچه که باید باشد (حکمرانی خوب) وجود دارد. عقاید گوناگون در جستجوی معنایی هستند که ممکن است در همه شرایط صحیح به نظر آید. در ادبیات حکمرانی نیز به این موضوع اشاره شده است که حکمرانی خوب یک اصطلاح هنجاری است که می بایست به اقتضای "بستر" تعریف شود (Landman, 2003 & Doorenbas, 2003, 8).

با عنایت به مطالب فوق و از آنجا که "نظریه حکمرانی خوب" از تازه ترین مباحث توسعه در جهان کنونی است و ایران نیز مانند هر نظام سیاسی دیگر نیازمند درکی عمیق و گسترده تر از عوامل، مولفه ها و ویژگیهایی است که آن را کارآمد تر و اثربخش تر نماید، لذا پژوهش حاضر به دنبال تعیین و شناخت ویژگیهای بنیادین حکمرانی خوب می باشد و در این راستا در جستجوی الگویی است که بتوان بوسیله آن مشخصه های حکمرانی خوب را در

از دیدگاه پژوهش حاضر اینگونه به نظر می رسد که برای تحلیل و ارزیابی حکمرانی خوب باید به تحلیل روابط بین آنچه که انجام می دهیم (فعالیتها، تصمیمات و تمهیدات) و آنچه که می خواهیم بشویم یا به دست آوریم (اهداف و ارزشها) ارتباط برقرار کنیم. در واقع حکمرانی خوب مستلزم یافتن ابزارهای مرتبط و متناسب با ارزشهاست. بنابر این باید دنبال ویژگیهایی بود که هم تبیین کننده منابع و فرایندها باشد و هم در بردارنده نتیجه و اثر.

اساساً میزان موفقیت سیستمها را بر مبنای تحقق کارایی و اثربخشی می سنجند. اثر بخشی و کارایی به آنچه که انجام می دهیم و این که چگونه انجام می دهیم مربوط می شود. کارایی یعنی درست انجام دادن وظیفه و به رابطه بین ورودی و خروجی اشاره دارد. برای نمونه اگر از نهاده معینی بازده بیشتری به دست آوریم، کارایی را افزایش داده ایم. کارایی با چگونگی استفاده از منابع ورودی: پول، افراد و تجهیزات ... که کمیاب هستند، ارتباط دارد. در حالیکه میزان دستیابی به اهداف تعیین شده را اثربخشی گویند (رابینزو دی سنزو، ۱۳۸۵، ۱۹).

مطابق این سخن ارزیابی اکولوژی حکمرانی نیز در دو بعد کارایی و اثربخشی قابل طرح است. این دو بعد در تعامل و ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارند و تعادل بین این دو بعد، شرط اساسی تحقق حکمرانی خوب است. بعد اول شامل منابع، فرایندها، نهادها و مکانیسم هایی است که بعنوان ابزار در حکمرانی بکار گرفته می شود و بعد دوم در برگیرنده نتایج حاصل از عملکرد اکولوژی حکمرانی است. در راستای ویژگی تعادل در اکولوژی ها، مقاله حاضر تعادل بین دو بعد کارایی و اثر بخشی را یک ضرورت قطعی در جهت بقا سیستم سیاسی و حکمرانی خوب دانسته و توأم با این تعادل، بر ارتقا به سطوح بالاتر اثربخشی از طریق بهبود مستمر متغیرهای کارایی تاکید می ورزد. یادآوری این نکته نیز ضروری است که هر گونه تغییر کمی و کیفی در ویژگی های اثربخشی بعنوان بخشی از ستاده سیستم علاوه بر آن که بر یکدیگر تاثیر می گذارند، در توسعه و تکامل (یا رکود و اضمحلال) متغیرهای کارایی نیز تاثیر مستقیم دارند. بعنوان مثال افزایش یا کاهش ثبات اقتصادی علاوه بر آنکه همبستگی متقابل با رفاه، عدالت و آزادی اقتصادی دارد، شرایطی

مصادق دارد. به این معنی که از عناصری تشکیل یافته اند که با یکدیگر تعامل دارند و هدف مشترکی را دنبال می کنند. همچنین با سیستم های دیگر در ارتباطند و مانند هر سیستمی ورودی، فرایند و خروجی دارند. هر اکولوژی، بر اساس تئوری عمومی سیستم ها و به دلیل سیستم بودنش به سمتی می رود که به نوعی پایداری نسبی برسد و بتواند به بقاء و حیات خود ادامه دهد.

تعادل^۱، سازگاری^۲ و تکامل^۳ در مفهوم اکولوژی بسیار اهمیت داشته و مبنای ادامه حیات اکولوژی است. تعادل اکولوژیک، سازگاری و تکامل را در حیات اکولوژی تضمین می کند.

تعادل به مفهوم موزانه ای پایدار بین گونه ها (اجزاء) و روابط میان گونه ها (اجزاء) با یکدیگر و با زمینه اکولوژی است. سازگاری نیز به این معناست که اکولوژی سعی می کند با زمینه گسترده و جامع تر خود و همچنین با سایر اکولوژی ها به یک هماهنگی دست یابد و تکامل در مفهوم اکولوژی رشد و ارتقاء و غنی تر شدن ابعاد زمینه و محتوا و ارتباط این دو با یکدیگر در بعد زمان است. تعادل و سازگاری دو اصل مهم اکولوژی برای بقا و ادامه حیات آن است.

اکنون این پرسش مطرح می شود که چگونه می توان تشخیص داد یک اکولوژی (سیستم) خوب یا بد است؟ اگر نتایج حاصل از عملکرد اکولوژی (در مقایسه با اهداف تعیین شده) مورد ارزیابی قرار نگیرد، آیا می توان آن را با صفت خوب یا بد توصیف نمود؟ بعنوان مثال چگونه می توان به سیستمی نظیر ماشین صفت خوب یا بد بودن را نسبت داد؟ آیا صرفاً با بکارگیری قطعات، فنون و ابزار عالی و بدون در نظر گرفتن کارکرد هماهنگ و متعادل سیستم در راستای هدف، می توان گفت که این ماشین خوب-بد یا ضعیف-قوی است؟ به سخن دیگر، اگر این ماشین دارای شتاب و سرعت لازم، استحکام، راحتی و... نباشد، آیا ماشینی خوب محسوب می گردد؟ در باب حکمرانی نیز این پرسشگری مصادق می یابد. چگونه می توان اکولوژی حکمرانی را خوب یا بد قلمداد نمود؟

1. Equilibrium

2. Adoption

3. Evaluation

بر مبنای مطالعات "استیلمن"^۱، اکنون در ادبیات حکمرانی علاوه بر کارایی و اقتصادی بودن و اثر بخشی مدیریتی، بر تحقق خیر عمومی در بستر پیچیده سیاسی تاکید می‌شود (28-17، 2006، Stillman).

در پارادایم مدیریت دولتی نوین نیز کارایی و اثر بخشی، ویژگی‌های اصلی نظام اداری و سیاسی محسوب می‌شوند (هیوز، ۱۳۸۰).

دائرة المعارف^۲ و ویکیپدیا^۳ اثر بخشی و کارایی را از ویژگی‌های حکمرانی خوب دانسته و آن را اینگونه تعریف می‌کند:

- وجود فرایندها و نهادهایی که نتایج آنها برآوردن نیازهای جامعه باشد و توأم با آن از منابع در اختیار خود بهترین استفاده را نمایند.

- استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط

از دیدگاه نظریه حکمرانی، هدف حکمرانی خوب، به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی و توسعه پایدار انسانی، رضایت مادی و معنوی با رفع نیازهای اساسی و حمایت از حقوق اساسی از قبیل آزادی و گسترش دایره انتخاب هاست. در حالیکه حکمرانی بد یا ضعیف، موجب رشد کندتر، خدمات ناکارآمد و فرصت‌های ازدست‌رفته می‌شود. در ادبیات نظریه حکمرانی از این مقوله تحت عنوان "کارایی و اثربخشی" یاد می‌شود. مفهوم کارایی و اثربخشی در چارچوب حکمرانی خوب در برگیرنده استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست است. بنابراین در مقوله کارایی و اثر بخشی دو بحث مطرح است: اول حضور فرایندها و نهادهای مورد نیاز در جامعه و دوم، سازماندهی آنها به گونه‌ای که به تامین نیازهای عمومی و استفاده بهینه از منابع (اعم از منابع مادی و انسانی) منجر شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ۵۰۲).

با عنایت به مطالب بیان شده، در تقسیم حکمرانی خوب به دو بعد کارایی و اثر بخشی به این نکات با دیدگاهی گسترده توجه شده است. بدین معنا که در حکمرانی

فراهم می‌آورد که بر میزان مطالبات، خواسته‌ها و حمایت‌های سیاسی و مدنی تاثیر می‌گذارد. به تعبیر دیگر متغیرهای اثربخشی به عنوان ورودی یا داده در بعد کارایی حکمرانی خوب ظاهر می‌شود. چنانچه اکولوژی حکمرانی بتواند یکپارچگی خود را حفظ نماید و بر پیچیدگی‌ها و تنوع عملکرد خود بیافزاید، در حقیقت موفق به جذب خواسته‌ها و حمایت‌ها شده و به درجه بالاتری از تکامل می‌رسد و در غیر این صورت، یعنی ناتوانی در پاسخگویی به مطالبات و حمایت‌ها، باعث برهم خوردن نظم سیستم و نهایتاً اضمحلال آن خواهد شد. ضرورت وجود دو بعد کارایی و اثربخشی در حکمرانی خوب را می‌توان با روایت دیگر و مطابق با تعریف تصمیم‌گیری تبیین نمود. هر تصمیم در سطح کلان یا خرد دارای هدف بوده و باید دو ویژگی اساسی داشته باشد که عبارتند از کارایی و اثربخشی. در واقع اگر بپذیریم که انجام درست کار درست، ملاک خوب بودن یک تصمیم است، آنگاه می‌توان حکمرانی (تصمیم‌گیری) را به دو ویژگی کارایی و اثربخشی تقسیم نمود.

در این مقاله فرایند تصمیم‌گیری محور اصلی حکمرانی قلمداد شده است که قابل تقسیم به دو بعد کارایی (مراحل اخذ و اجرای تصمیم) و اثربخشی (مرحله ارزیابی نتایج) است.

با این تعبیر حکمرانی خوب به معنای حکمرانی بهره‌ور است. منظور از کارایی قابلیت بسیج منابع ملی اعم از منابع مادی، مالی، انسانی و تکنولوژیک و نحوه بکارگیری آنهاست و منظور از اثر بخشی، میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده هر نظام سیاسی است. بخش کارایی به سنجش قابلیت‌های سیستم سیاسی (به معنای کلی) در مواجهه با چالش‌ها می‌پردازد و بخش اثر بخشی به سنجش میزان نیل به اهداف تعیین شده مبادرت می‌ورزد.

پس از تبیین چارچوب کلی "حکمرانی خوب" در قالب نظریه سیستم‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و ضرورت برخوردار بودن اکولوژی حکمرانی (تصمیم‌گیری) از دو بعد کارایی و اثربخشی می‌توان در تایید این انتخاب بر پایه ادبیات حکمرانی به مواردی که در پی می‌آید استناد نمود:

1. Richard J. Stillman

2. نگاه کنید به سایت: <http://www.Wikipedia>

که مردم توانایی " خود ساماندهی"^۳ بدست آورند (یعنی حکمرانی خوب مدنی).

علاوه بر این بانک جهانی، برنامه توسعه ملل متحد، موسسه توسعه بین الملل آمریکا و دیگر سازمانهای مستقل در مدلی که بیانگر ویژگی های حکمرانی خوب است، آن را به دو بعد اقتصادی و سیاسی تقسیم نموده اند (Landman, 2003 & Weiss, 2000).

با توجه به شکل (۱) در این گفتار سعی بر آن بوده است که با رویکردی جامع و کلان به هر سه مقوله توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عنایت شود. از این منظر امکان بررسی نقاط ضعف و قوت نظام های سیاسی در فرایند توسعه پایدار انسانی مهیا شده و نقاط آسیب پذیر و ناکارآمد مشخص می شود.

پس از توضیحی که در باب ساختار کلی الگو حکمرانی خوب بیان شد، اکنون به خلاصه ای از تئوریهایی که بعنوان مفروضات اساسی یا زیربنای فکری در طراحی الگوی حکمرانی خوب بکار رفته است، اشاره شده و آنگاه با طرح الگوی پیشنهادی؛ ویژگیهای درونی هر یک از حوزه های تحلیل و شاخص های آن مورد بررسی قرار می گیرد.

اصولا برای تبیین هر الگو، دیدگاه یا رهیافتی می بایست مفروضات یا زیربنای فکری پژوهشگر مشخص گردد. از اینرو ضرورت دارد برخی از مهمترین نظریه هایی که در طراحی ساختار، محتوا و روابط بین اجزاء بکار رفته است، مطرح گردد.

مفروضات اساسی الگوی پیشنهادی حکمرانی خوب

- چارچوب کلی مدلها بر مبنای نظریه سیستمها
 - از منظر سیاست هنجاری:
- تقسیم حکمرانی به سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی
- جمع بندی ارزشهای بشری در چهار مقوله آزادی، عدالت، امنیت و رفاه
- از منظر ادبیات توسعه:
- ورود مفهوم تعادل و تناسب بین خواسته های مردم و قابلیت های نظام سیاسی، تئوری تعادل اداره و سیاست بحث توسعه اداره امور و اداره امور توسعه

خوب با یک نگاه کلان، علاوه بر بکارگیری درست و بسیج مناسب منابع ملی، هدف افزایش خیر عمومی نیز هست. پس از آنکه حکمرانی به ابعاد کارایی و اثربخشی تقسیم شد، ضرورت دارد که جهت شناخت و تعریف هر یک از این مفاهیم، آنها را به مولفه هایی تجزیه نمود. اصولا برای حل مسائل پیچیده که در آن به سادگی نمیتوان روابط بین پدیده ها و اجزاء را کشف و توصیف نمود، آنها را بر اساس یک منطق علمی تقسیم بندی می نمایند. بطور مثال طبقه بندی براساس حوزه تحلیل (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ...)، بر مبنای سطوح سلسله مراتبی (سطح ۱، سطح ۲، سطح ۳ ...) و طبقه بندی سیستمی (داده، فرایند، ستاده) از جمله ابزارهایی هستند که بوسیله آنها می توان سیستمهای وسیع و پیچیده را تحلیل و روابط بین اجزاء آن را تبیین نمود. بر مبنای این استدلال، بعد کارایی به مولفه های اداری، اقتصادی، سیاسی- اجتماعی و بعد اثربخشی نیز به مولفه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل تقسیم است.

البته شواهد موجود در ادبیات نیز این استدلال را تایید می نماید، برای مثال هدی بیان می دارد که اصولا "توسعه بصورت یک کل مورد بحث قرار نمی گیرد، بلکه به بخشهای مختلف مانند توسعه اقتصادی و سیاسی تقسیم و هر بخش بطور مجزا مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد (هدی، ۱۳۸۱).

" محبوب الحق"^۱، محقق سازمان ملل، اولین بار ایده جامع و والای " حکمرانی انسانی"^۲ را بکار برد و آن را شامل حکمرانی مطلوب سیاسی، اقتصادی و مدنی می دانست. حکمرانی انسانی ساختارها و فرایندهایی را شامل می شود که به مشارکت، مسئولیت پذیری و پاسخگویی سیاسی کمک می نماید (یعنی حکمرانی خوب سیاسی) و این ساختارها و فرایندها بر اقتصادی رقابتی و عادلانه احاطه دارند (یعنی حکمرانی خوب اقتصادی)، و این مستلزم منابعی است که بوسیله مردم مهیا گردیده تا برای رفع نیازهای اساسی انسانی آنها بکار رود و به نوبه خود فرصتهایی را به روی آنها می گشاید و باعث می شود

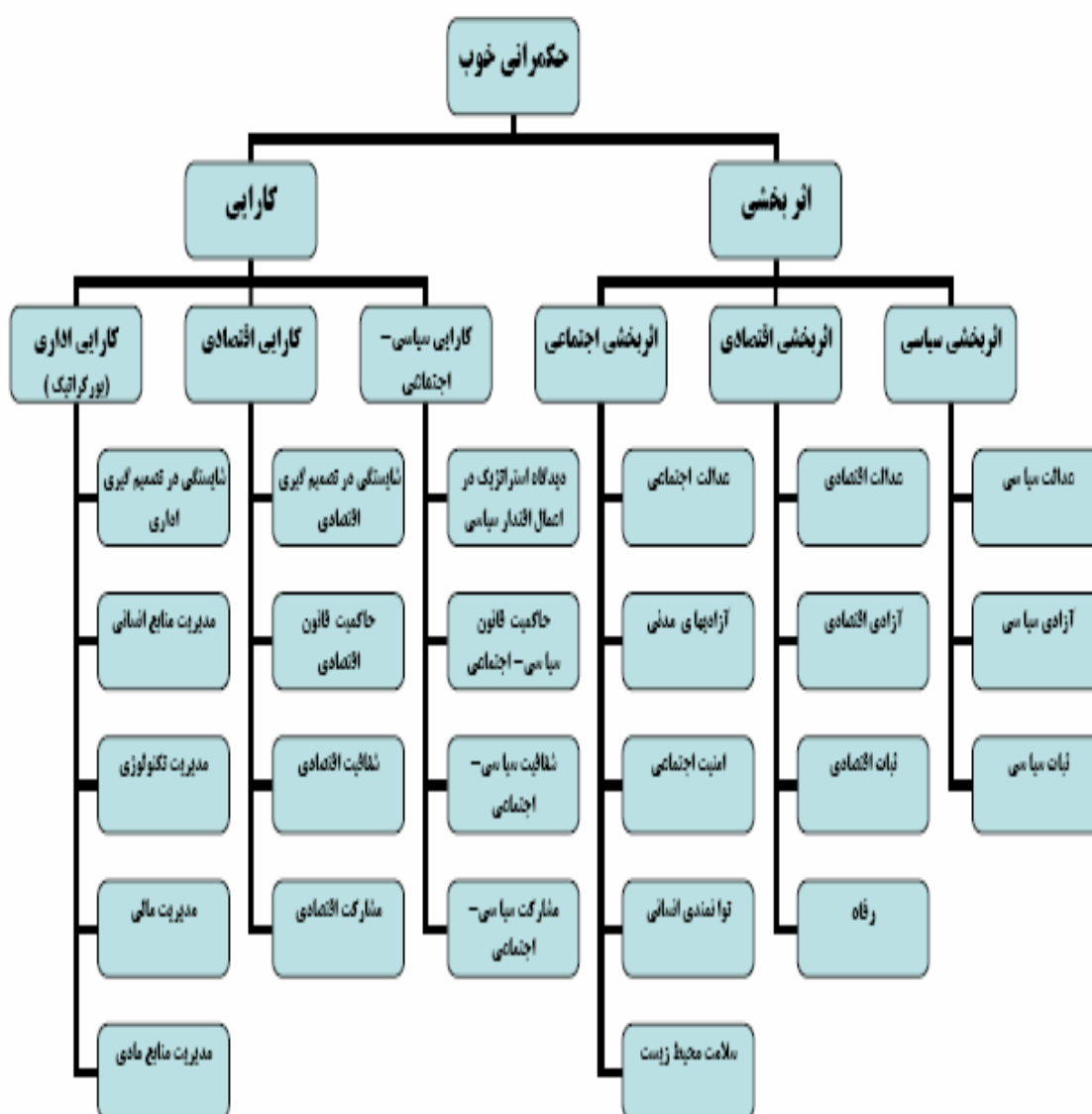
1. Mahbubul Hagh

2. Human Governance

تکراری و مشابه تحت یک ویژگی اصلی
تئوری اقتصاد نهاد گرایی نوین
پارادایم مدیریت دولتی نوین صرفاً در بحث اداره

ظرفیت یا توان رشد پایدار
توسعه با رویکرد نهاد گرایی نوین
• از منظر ادبیات حکمرانی :
توجه بین همگرایی مطالعات و ادغام ویژگی های

شکل (۱) الگوی پیشنهادی حکمرانی خوب



منظور از قابلیت؛ تمهیدات، فرایندها، ساختارها و قوانینی است که دولت‌ها جهت دستیابی به توسعه می‌اندیشند. به عبارت دیگر نظام سیاسی در شاخه کارایی اداری، توانمندیها و ظرفیتهای درونی خود را ارتقا می‌دهد و در شاخه کارایی اقتصادی و سیاسی-اجتماعی از ظرفیت بدست آمده در جهت ایجاد، ترویج و افزایش خیر عمومی می‌کوشد.

ایجاد بستر مشارکت، شفافیت و حاکمیت قانون برعهده دولتهاست. به سخن دیگر دولتها موظفند که به اعمال اقتدار، مدیریت مشارکت، مدیریت شفافیت و مدیریت قانون بپردازند. منظور از دیدگاه استراتژیک، مشارکت، شفافیت و حاکمیت قانون، در هر دو شاخه کارایی اقتصادی و سیاسی-اجتماعی، ایجاد فضای مناسب جهت شکل‌گیری نهادها و قوانینی است که خواسته‌های مردم بوسیله آنها تحقق می‌یابد.

پژوهش حاضر، بین‌ویژگیهای دیدگاه استراتژیک، مدیریت مشارکت، مدیریت شفافیت و مدیریت قانون (ویژگیهای فرایندی) و تجلی نتایج حاصل از آن یعنی ویژگیهای آزادی، امنیت و عدالت... (ویژگیهای ارزشی) تفکیک قائل شده است.

نشانه‌های توسعه (آزادی، امنیت، عدالت، رفاه) محصول قابلیت توسعه اداره و اداره توسعه است. بدیهی است که پیامدهای توسعه در بعد اثر بخشی به عنوان چالش‌ها و منابع جدید (خواسته‌ها و حمایت‌ها) به سیستم بازگشته و در صورتی که سیستم قابلیت‌های افزونتری را در خود بوجود آورده و حفظ نماید، میتواند امیدوار بود که نه تنها تعادل بین دو بعد برقرار باشد، بلکه ارتقاء به سطوح بالاتر توسعه نیز امکان‌پذیر گردد.

مولفه‌ها و شاخص‌های کارایی حاصل تفحص و تطبیق نظریه‌های توسعه، دیدگاه‌های سازمان‌های مستقل و کشور‌های گوناگون است. شاخص‌های کارایی اقتصادی، سیاسی-اجتماعی بر اساس همگرایی مطالعات و میزان اهمیت آنها به گونه‌ای انتخاب شده که تقریباً مجموعه ویژگیهای حکمرانی خوب را که در ادبیات پژوهش تحت عناوین و اهداف مختلف آمده، پوشش دهد.

بعد اثر بخشی نیز به مولفه‌های اثربخشی اجتماعی، اثر بخشی سیاسی و اثربخشی اقتصادی تقسیم شده است. هر

وجود یک اداره توانمند و کاملاً تخصصی از پیش‌نیازهای اساسی توسعه محسوب می‌شود. همه دانشمندان با نظر آلموند و پاول در مورد نقش کلیدی بوروکراسی در فرایند توسعه سیاسی موافق هستند و با این ایده که سیستم سیاسی نمی‌تواند بدون داشتن نوعی بوروکراسی دولتی مدرن به سطح بالایی از قانونمندی داخلی، توزیع یا استخراج برسد، هماهنگ هستند (Riggs, 1970; 2006; Stillman, 1979; طاهری، ۱۳۸۴؛ ترنر، ۱۳۷۹).

درباره مشخصه‌های بوروکراسی، برخی از پژوهش‌ها بر حاکمیت قانون، مدیریت مالی، کارآمدی درآمدی، کیفیت اداره دولتی، پاسخگویی و عدم فساد در بخش دولتی تأکید نموده‌اند (Punyaratabandhu, 2004)، برخی دیگر بر کیفیت بوروکراسی، و کارایی بوروکراسی (Compos & Nugent, 1999).

با عنایت به این موضوع که اداره ابزار و موتور محرکه توسعه است، "کارایی اداری" به عنوان یک ویژگی ضروری در الگو "حکمرانی خوب" در نظر گرفته شد. لذا در این نوشتار، مدیریت بر مبنای چهار منبع اصلی (نیروی انسانی، منابع مالی، منابع مادی و تکنولوژی) که در کلیه سازمانها به عنوان "داده" وارد می‌شوند، به همراه تصمیمات شایسته اجرایی، تحت عنوان مولفه "کارایی اداری" در الگو حکمرانی خوب، قرار داده شده است.

آنچه که در کارایی اداری مورد نظر می‌باشد، تحول درونی سیستم بوروکراسی است و هدف، توانمندسازی آن در زمینه بکارگیری عقلایی منابع انسانی، مالی، ... در جهت پاسخگویی بهتر به مردم و بخش سیاسی است. اصولاً در بحث کارایی اداری سخن بر سر این است که ساختار دولتی در ارتباط با چهار منبع اصلی که در اختیارش است، چگونه عمل می‌کند. بطور مثال درباره تامین نیروی انسانی متخصص از چه سیاستها و روشهایی بهره می‌گیرد؟ یا تخصیص بودجه بر چه منطبق و روش علمی استوار است؟ به عبارت دیگر "توسعه اداره" در این شاخه از الگو مورد تأکید می‌باشد.

دو شاخه کارایی سیاسی-اجتماعی و کارایی اقتصادی، به بحث درباره "اداره توسعه" می‌پردازد. در "الگو حکمرانی خوب" این دو شاخه نمایانگر قابلیت سیستم در مقابله با مسائل و چالش‌های اساسی جامعه مانند رفاه، عدالت، امنیت و آزادی (بعد اثربخشی) است.

مطلب بیانگر همبستگی متقابل بین آنهاست. در این معنا حکمرانی خوب حاصل کارکرد سالم هر یک از این فعالان است. همچنین تناسب بین اندازه و میزان دخالت آنان در امور جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است که در درجه اول سبب حفظ هویت و کلیت نظام سیاسی شده و در نهایت تحقق اهداف نظام را امکان پذیر می‌سازد. جدول (۱) و (۲) برخی از ویژگیها و شاخصهای کارایی و اثربخشی را نشان می‌دهد که در این پژوهش یکپارچه و منظم شده است.

یک از مولفه‌های مذکور خود به شاخص‌هایی ختم می‌شود که از ادبیات پژوهش استخراج و بر اساس یک منطق علمی منظم شده است.

مولفه‌ها و شاخصهای اثر بخشی نتیجه مطالعه دکترین‌های سیاسی - هنجاری می‌باشد. این متغیرها شامل ویژگیهای آزادی، عدالت، رفاه، ثبات و امنیت است. ویژگیهای مذکور چکیده ارزشهای بشری در طول تاریخ است که در مجموع مورد توافق اندیشمندان می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۲؛ الوانی، ۱۳۶۹؛ کاظمی، ۱۳۷۹؛ کاظمی، ۱۳۸۱). البته برخی از متفکرین وجود تنها یک ویژگی نظیر عدالت یا امنیت را به عنوان ارزش مطلق جوامع مطرح می‌سازند. اما با جمع بندی نظرات و آراء صاحب نظران می‌توان آنها را در این چهار ویژگی خلاصه نمود.

بعلاوه، پژوهش حاضر سعی نموده تا نتیجه کارکرد اکولوژی حکمرانی را در حضور ویژگیهای اثربخشی خلاصه نماید. در این راستا با جمع بندی و یکپارچه کردن ویژگیها و شاخصهای جزئی در ادبیات حکمرانی، آنها را تحت یک عنوان کلی نظیر آزادی یا عدالت، طبقه بندی و مصداق‌هایی برای ارزیابی و سنجش آنها برشمرده است.

در الگوی پیشنهادی، دولت، جامعه مدنی، و بخش خصوصی بازیگران و فعالان اصلی سیستم حکمرانی محسوب می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که هر یک از ویژگیهای الگو، بطور آشکار این سه بازیگر را نشان نمی‌دهد اما هنگامی که در باب مصادیق این ویژگی‌ها صحبت به میان می‌آید، نهادهای جامعه مدنی، ساختارها و قوانین دولتی، بنگاه‌ها و شرکتهای خصوصی توأم با فعالیت‌ها، کارکردها و برنامه‌های آنان پدیدار می‌گردد. بنابراین در ورای این الگو، حضور این سه بازیگر تجلی می‌یابد. بطور مثال هنگامی که از آزادی سیاسی سخن به میان می‌آید، برای تعریف معنای آن از مصادیقی همچون وجود و فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی، آزادی مطبوعات، وجود آزادی بیان و اجتماعات... استفاده می‌نماییم که در برگیرنده جامعه مدنی است. این سه بازیگر در برابر یکدیگر به ایفای نقش می‌پردازند. اختلال در سلامت و فعالیت هر یک از این بازیگران باعث ایجاد بی‌نظمی در حیات بقیه فعالان می‌گردد، این

جدول (۱) شاخصهای هر ویژگی در مولفه های کارایی اقتصادی و سیاسی - اجتماعی

ویژگیها	کارایی اقتصادی	کارایی سیاسی - اجتماعی
	شاخصها	شاخصها
شاید سستی در تصمیمات اقتصادی و داشتن دیدگاه استراتژیک سیاسی...	سیاستها و راهکارهای کنترل تورم کنترل کسر بودجه و کنترل کسری حسابهای جاری، خط مشی های مربوط به تثبیت رشد اقتصادی، راهکارهای مربوط به کنترل بیکاری و سیاستهای جلوگیری از بحرانهای بانکی، پولی و مالی	درک بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه در دستیابی به توسعه. رهبران و دولتمردان باید دیدگاهی بلند مدت درباره حکمرانی خوب و توسعه انسانی داشته باشند.
حاکمیت قانون	وجود نهادها و قوانین و مقررات اقتصادی نافذ که از مالکیت و فعالیت های اقتصادی مردم حمایت نماید. وجود نهادها و قوانین و مقررات اقتصادی نافذ که از ناکارآمدی اقتصادی (مفاسد اقتصادی) جلوگیری نماید. استقلال نظام قضایی از سایر قوا و از نزاع های سیاسی و جناحی.	وجود نهادها و قوانینی که از آزادیها و مشارکت مردم در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی حمایت نماید. وجود نهادها و قوانینی که از ایجاد تشکلهای سیاسی - اجتماعی و رقابت بین آنها حمایت نماید. وجود نهادها و قوانینی که از انتخابات آزاد و عادلانه حمایت می کند.
شفافیت	صورتیهای افشاء کننده مالی، بازنگری بودجه، ممیزی و حسابرسی در دولت. میزانی که اطلاعات کافی اقتصادی مهیا شده و به سهولت از طریق رسانه ها و مطبوعات در دسترس عموم قرار می گیرد. تعداد ملاقاتهای آشکار، تعداد جلسات علنی تصمیم گیری دولت، مجلس وقوه قضاییه برای مطبوعات و عموم مردم.	میزانی که تصمیمات سیاسی - اجتماعی در راستای قوانین و مقررات است. میزانی که اطلاعات سیاسی - اجتماعی بطور آزادانه، مستقیم و بدون تحریف و سانسور در دسترس کسانی قرار می گیرد که متاثر از این تصمیمات و اجرای آنها هستند. تعداد ملاقاتهای آشکار سیاسی - اجتماعی، تعداد جلسات علنی تصمیم گیری دولت، مجلس و قوه قضاییه برای مطبوعات و عموم مردم.
مشارکت	اجرای قوانین و مقررات اقتصادی مناسب و حمایتی جهت جلب مشارکت و سرمایه گذاری بخش خصوصی. ارائه تسهیلات لازم مانند پرداخت وام های بلند مدت، کاهش مالیات و در اختیار قرار دادن امکانات مادی و... فراهم آوردن زمینه فعالیت نهادهای اقتصادی مانند اتحادیه ها، شوراها و سندیکاها اقتصادی. ایجاد فضای امن رقابتی.	فراهم آوردن زمینه آزادیهای سیاسی و مدنی از قبیل: آزادی اجتماعات، سخنرانیها، راه پیماییها و تحصن... فراهم آوردن زمینه آزادی و استقلال مطبوعات، نشریات و رسانه ها فراهم آوردن زمینه ایجاد احزاب، جمعیتها، انجمن های سیاسی - اجتماعی (بویژه اقلیتها و مخالفان)، سازمانهای غیر دولتی و میان دولتی... فراهم آوردن زمینه مشارکت سیاسی و مدنی مردم در اداره کشور از طریق سیستم نمایندگی و سیاستهای عدم تمرکز

جدول (۲) شاخصهای هر ویژگی در مولفه‌های اثربخش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

ویژگیها	اثربخشی اجتماعی	اثربخشی اقتصادی	اثربخشی سیاسی
	شاخصها	شاخصها	شاخصها
عدالت	توزیع عادلانه درآمد میزان برخورداری از خدمات بهداشتی مناسب فقر زدایی و تغذیه مناسب میزان برخورداری از مسکن مناسب میزان برخورداری از خدمات آموزشی و پرورشی مناسب میزان اشتغال نحوه گذراندن اوقات فراغت .	عدالت پیش از تولید که شامل دسترسی به امنیت برابر ، دسترسی به فرصتهای شغلی به طور یکسان و در شرایط مساوی ، استفاده برابر از اموال عمومی و منابع طبیعی که به عموم تعلق دارد چه برای تصرف مالکانه و چه تصرف بهره مندانه . عدالت در فرایند تولید شامل توازن میان عوامل تولید یعنی کار ، سرمایه ، زمین ، مدیریت و فناوری، جلوگیری از انحصار از سوی هریک از عوامل تولید و ایجاد رقابت به عنوان عنصر تعادل بخش و فضای متعادل کننده . عدالت در نتایج فرایند تولید که شامل سازوکارهای باز توزیع درآمد (مالیات ها) ، برابری در فرصتها و در استفاده و برخورداری از کالاهای عمومی و در قانون می شود.	وجود فرصت های برابر در احراز مقام های عمومی وجود جابجایی سیاسی وجود نظارت سیاسی
آزادی	وجود آزادی زبان ، مذهب، عقیده ، خط ، وجدان و اندیشه وجود آزادی بیان و آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیماییها وجود رسانه های گروهی و مطبوعات آزاد و مستقل وجود تشکلهای و نهادهای اجتماعی ، فرهنگی و علمی ، سازمانهای غیر دولتی وجود فضای نقد پذیری ، تعامل فعال، تحمل نظر دیگران و تکررگرایبی عدم وجود شیوه های خشونت آمیز در برخورد با نظر دیگران .	رقابت در تولید ، عرضه و مصرف کالا و خدمات بطوری که به فرد یا جامعه آسیب نرساند . وجود آزادی در انتخاب شغل . وجود اتحادیه ها ، سندیکاها ، شوراهای انجمن ها و تشکلهای اقتصادی.	وجود انتخابات آزاد و رقابتی وجود احزاب ، گروه ها ، تشکل ها و انجمن های سیاسی بویژه مخالفان و اقلیت ها وجود نمایندگی زنان در عرصه سیاست وجود آزادی بیان ، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها وجود رسانه های گروهی آزاد ، مستقل، و مطبوعات آزاد در امور سیاسی .
امنیت و ثبات	میزان احساس ایمنی شخصی افراد نسبت به تجاوز به جان ، مال، حیثیت ، فکر، عاطفه ، شغل و درآمد (بعد ذهنی). میزان نظم اجتماعی : تعداد جرائم و بزهکاریهای اجتماعی از قبیل دزدی ، قتل، اعتیاد ، تجاوز به عنف ، طلاق ، آشوبها ، نابسامانیها و ناهنجاری های اجتماعی (بعد عینی) .	میزانی که تورم ، کسری بودجه ، کسری حسابهای جاری تحت کنترل قرار داشته و متعادل است ، جلوگیری از نوسانات تولید و بیکاری یعنی میزان ثبات در تولید ناخالص داخلی ، عدم وجود بحرانهای بانکی ، پولی و مالی.	احتمال براندازی دولت با ابزارهای غیر قانونی و خشونت بار مانند کودتا یا تروریسم . تعداد و شدت درگیریهای جناحی ، آشوبها و نزاع های داخلی. خشونت‌های انتخاباتی. میزان جابجایی مقامات بلند پایه دولت .

ادامه جدول (۲) شاخصهای هر ویژگی در مولفه های اثربخش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

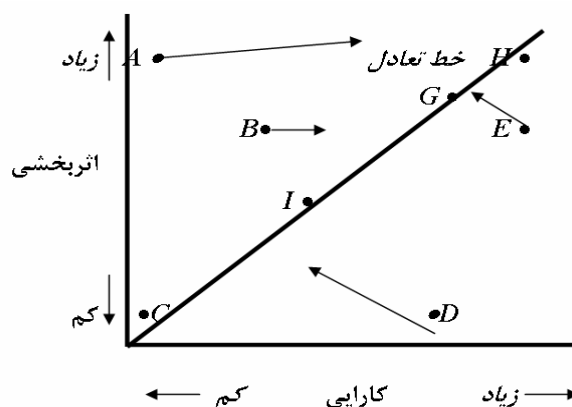
		میزان و گستره دامنه انتخاب های آگاهانه انسانها در جهت زندگی بهتر	توانمندی انسانی
		بهداشت محیط از قبیل میزان زباله تولیدی، دفع زباله ، دفع فاضلاب خانه ها و تصفیه پسابها . کیفیت هوا از قبیل میزان آلاینده هایی همچون دی اکسید کربن ، دی اکسید گوگرد و اکسید نیترو. کیفیت منابع آب : از قبیل میزان پاکیزگی آبهای روان و سلامت آب آشامیدنی . کیفیت منابع طبیعی مولد: از قبیل میزان بهره برداری صحیح از جنگلها ، مراتع، پوشش های گیاهی. تنوع زیستی و زیستگاه : از قبیل میزان حفاظت از زیستگاه های حیوانات و جلوگیری از انقراض نسل آنها . انرژی پایدار: میزان بهره برداری صحیح از منابع انرژی مانند سوخت های فسیلی.	سلامت محیط زیست
	میزان درآمد سرانه سرانه مصرف کالری متوسط امید زندگی		رفاه

تحلیل حالات مختلف حکمرانی بر اساس نمودار تعادل
در این بخش، جهت تحلیل حالات مختلف حکمرانی ، از یک نمودار هندسی استفاده شده که در ادامه نحوه کارکرد آن تشریح می گردد. قبل از ورود به بحث اصلی ، یاد آوری این نکته ضروریست که در اکولوژی حکمرانی ایجاد تعادل و تناسب بین دو بعد کارایی و اثر بخشی به عنوان مهمترین عامل در فرایند توسعه و توسعه یافتگی مفروض است . از اینرو در این گفتار ضمن بکارگیری " نمودار تعادل " ، حالت های گوناگون حکمرانی که با فواصل و جایگاه های متفاوت از خط تعادل قرار گرفته اند، تحلیل می شود . به نمودار مقابل توجه نمایید:

در یک جمع بندی ، پژوهش حاضر حکمرانی خوب را به معنای اعم اکولوژی تصمیم گیری متشکل از دو بعد کارایی و اثربخشی می داند . شرط لازم جهت بقاء و تکامل این اکولوژی ، تعادل بین دو بعد کارایی و اثربخشی است. بنابراین تعادل

- ◀ بین ویژگیهای درونی هر یک از مولفه ها
- ◀ بین مولفه های کارایی اداری ، اقتصادی ، سیاسی - اجتماعی
- ◀ بین مولفه های اثر بخشی اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی
- ◀ بین ابعاد کارایی و اثربخشی از مفروضات اساسی این پژوهش محسوب می گردد.

نمودار (۱): نمودار تعادل حکمرانی



در واقع انتخابهای صحیح و ترکیب نسبت‌های متناسب با موقعیت (بستر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها) مولفه‌های اداری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حکمرانی است که توأم با حفظ ثبات اکولوژی باعث ارتقاء آن به سطوح بالاتر می‌گردد. از این منظر تعادل به معنای برابری بین ویژگی‌ها یا مولفه‌های حکمرانی خوب نیست، بلکه بنا به موقعیت و بسترهای گوناگون، انتخاب ترکیب‌های منحصر به فردی از ویژگی‌ها و مولفه‌هاست، که می‌تواند تعادل را در اکولوژی برقرار سازد. بنابراین تعادل گاه در کاستن از میزان یک یا چند ویژگی، گاه در افزودن و در مواقعی دیگر شاید در الزام به برابری ویژگی‌ها، تبلور یابد.

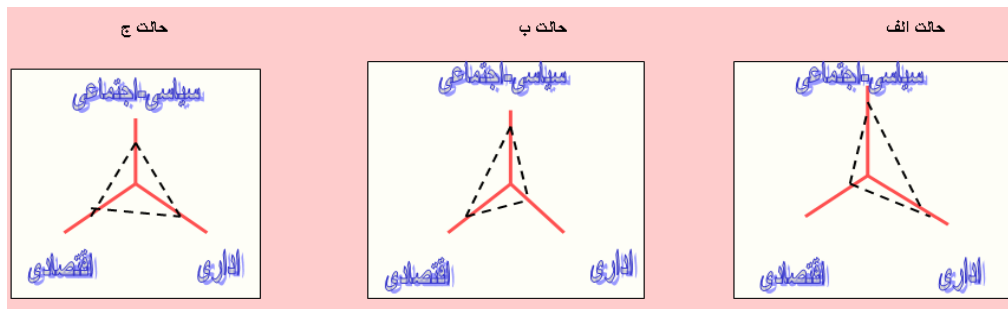
طبیعی است که انتخابها باید بر اساس اولویتها انجام شود و شناخت اولویت‌ها نیز تنها از طریق درک بستر جامعه یا به تعبیر دیگر خواسته‌ها و حمایت‌های ملت و شایستگی‌ها، قابلیت‌ها و ضعف‌های دولت امکان‌پذیر است. همانطور که در شکل (۲) و (۳) ملاحظه می‌شود، برای ایجاد تعادل، سه ضلعی‌های مولفه‌های کارایی و مولفه‌های اثر بخشی، همواره متساوی‌الاضلاع نخواهد بود، بلکه شرایط تعیین می‌کند که چه نسبتی از اضلاع به یکپارچگی و صعود به سطوح بالاتر می‌انجامد. در نتیجه توسعه حاصل انتخاب مختلف‌الاضلاع‌هایی است که متناسب با موقعیت برگزیده شده‌اند. البته طبیعی است که حالت ایده‌آل دستیابی به سه ضلعی‌های منتظم کارایی و اثر بخشی است.

این نمودار از دو بعد کارایی و اثر بخشی بر روی پیوستاری از کم تا زیاد، خط تعادل، نام و جایگاه حکمرانی نسبت به خط تعادل، و فلش‌هایی که نشان‌دهنده شکاف بین وضعیت حکمرانی و خط تعادل است، تشکیل یافته. بعلاوه فلشها نمایانگر جهت حرکت به سمت خط تعادل و ایجاد موازنه بین دو بعد کارایی و اثر بخشی هستند. این نمودار به تشریح چهار منطقه می‌پردازد که عبارتند از:

- کارایی کم-اثر بخشی کم (حکمرانی C- تعادل ایستا)
- کارایی زیاد-اثر بخشی کم (حکمرانی D - عدم تعادل)
- کارایی کم-اثر بخشی زیاد (حکمرانی A - عدم تعادل)
- کارایی زیاد-اثر بخشی زیاد (حکمرانی H- تعادل پایدار)

علت انتخاب این چهار منطقه، بیان‌حالات اصلی حکمرانی است زیرا حتی حکمرانی‌هایی هم که در یک منطقه قرار می‌گیرند، نه تنها به لحاظ میزان کارایی و اثر بخشی بلکه از نظر ترکیب مولفه‌های کارایی و اثر بخشی نیز دارای تفاوت‌های زیادی هستند، و این مطلب نکته اساسی در ایجاد تعادل می‌باشد.

شکل (۲) انواع تعادل بین مولفه های کارایی متناسب با محیط

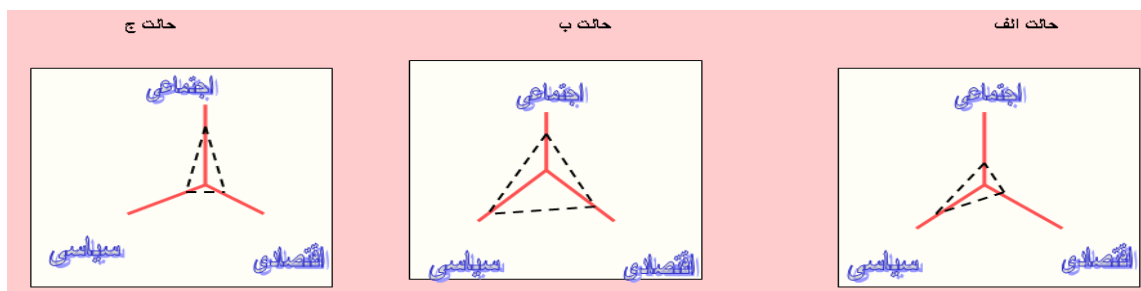


هر سه حوزه به سمت سطوح بالاتر کارایی ضرورت دارد. شکل (۳) برخی از انواع حالات اثربخشی بین سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را نشان می دهد. همانطور که ملاحظه می شود در حالت الف، حوزه سیاسی نسبت به حوزه های اقتصادی و اجتماعی از وضعیت مطلوب تری برخوردار است. لذا به منظور ایجاد موازنه بین سه ضلع می بایست بر بهبود وضعیت حوزه های اقتصادی و اجتماعی تاکید بیشتری شود و سپس حرکت به سطوح بالاتر اثربخشی آغاز شود. حالت ب، تعادل تقریبی بین سه حوزه را نمایش می دهد. بنابراین حرکت متوازن و یکپارچه هر سه حوزه به سطوح بالاتر اثربخشی امکان پذیر است. در حالت ج اثربخشی اجتماعی بسیار بالا و اثربخشی سیاسی و اقتصادی در سطحی بسیار پایین قرار دارند. طبیعی است که می بایست بر بهبود وضع حوزه های سیاسی و اقتصادی تاکید شود.

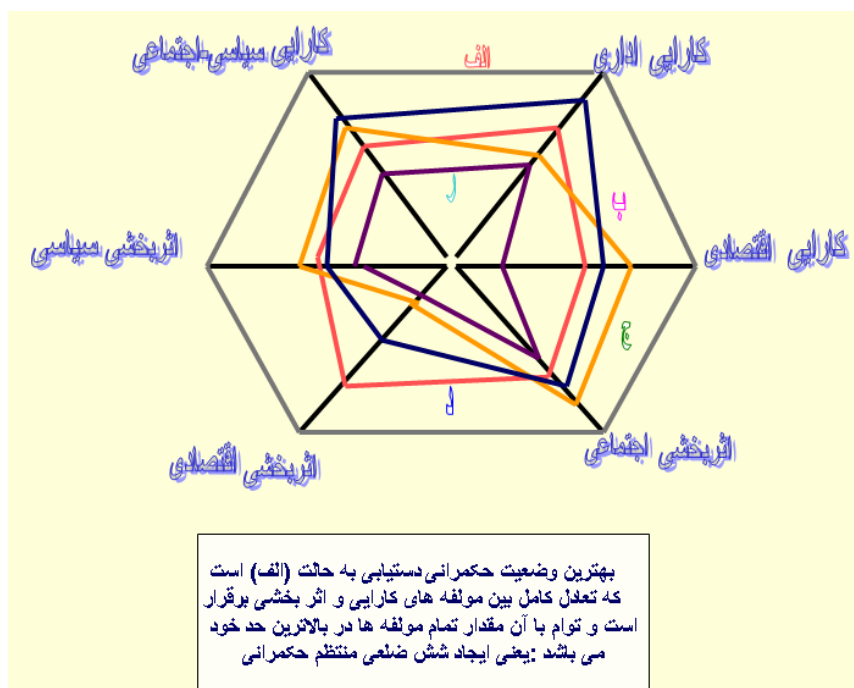
همانطور که در شکل (۲) ملاحظه می شود، اگر میزان کارایی در هر یک از حوزه های اداری، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی بین طیف پیوسته ای از صفر تا ده مفروض واقع شود آنگاه در حالت الف وضعیت حکمرانی در حوزه کارایی اداری و کارایی سیاسی - اجتماعی به مراتب بهتر از حوزه کارایی اقتصادی است. در نتیجه به نظر می رسد که برای ایجاد موازنه و تعادل بین سه حوزه مذکور، بر افزایش میزان کارایی اقتصادی تاکید بیشتری شود تا تعادل بین سه ضلع امکان پذیر شده و سپس حرکت متعادل هر سه حوزه به سمت سطوح بالاتر آغاز گردد.

در حالت ب کارایی سیاسی - اجتماعی و کارایی اقتصادی از وضعیت بهتری برخوردارند. بنابراین می بایست بر بهبود وضعیت کارایی اداری، تاکید شود. حالت ج، تقریباً تعادل بین سه حوزه اقتصادی، سیاسی - اجتماعی و اداری را نشان می دهد. لذا حرکت همزمان و هماهنگ

شکل (۳) انواع تعادل بین مولفه های اثربخشی



شکل (۴) شش ضلعی حکمرانی خوب



با توجه به نمودار تعادل و وجود حالات متفاوت حکمرانی، در این قسمت چهار استراتژی متناسب با چهار جایگاه حکمرانی بر روی نمودار پیشنهاد می شود:

- استراتژی های رشد، برای حکمرانی هایی که در منطقه کارایی زیاد - اثربخشی زیاد قرار دارند.
- استراتژی های توانمند سازی، برای حکمرانی هایی که در بعد کارایی قوی تر از بعد اثر بخشی عمل نموده اند: کارایی زیاد - اثر بخشی کم
- استراتژی های بقا، برای حکمرانی هایی که در قسمت کارایی کم - اثر بخشی کم نمودار قرار می گیرد.
- استراتژی های ظرفیت سازی، برای کشورهایی که حکمرانی آنها در قسمت کارایی کم - اثر بخشی زیاد نمودار قرار می گیرد.

شکل (۴) ترکیب مولفه های کارایی و اثربخشی را نشان می دهد. ترکیب نسبت های متفاوت سه ضلعی مولفه های کارایی و اثربخشی، شش ضلعی های گوناگون حکمرانی را بوجود آورده است. اگرچه بهترین حالت افزایش متعادل همه مولفه هاست اما برای دست یافتن به شش ضلعی منتظم حکمرانی، ضرورت دارد که نسبت های گوناگونی از مولفه های مذکور را هوشمندانه انتخاب نمود. به نظر می رسد این فرایند بگونه ای مداوم و تکاملی اتفاق افتد. به این معنا که با ورود خواسته ها و مطالبات جدید به اکولوژی حکمرانی، تعادل اولیه آن بهم خورده و دچار بی نظمی شود. اگر اکولوژی در مواجهه با الزامات تازه، قابلیت های لازم را کسب نماید، حاصل آن نظم و تعادل در مرتبه ای بالاتر خواهد بود وگرنه رکود یا نابودی آن را بدنبال خواهد داشت.

همانطور که در شکل ملاحظه می شود حالت (A)، از نظر بعد اثربخشی که ترکیبی از مولفه های اثربخشی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) است، در سطح بالا قرار دارد و به لحاظ بعد کارایی که ترکیبی از مولفه های کارایی (اداری، اقتصادی، سیاسی - اجتماعی) است، در سطحی پایین قرار گرفته است. به سه شیوه مختلف می توان وضعیت این کشور را تبیین نمود، اول با پیش فرض آرمانی و دوم با نگاهی واقع گرایانه، و سوم هنگامی که کشوری از نظر منابع طبیعی استراتژیک مانند نفت، گاز، الماس ... بسیار غنی باشد.

الف. حکمرانی (A) نمونه یک "جامعه آرمانی" است، بدین ترتیب که در این نظام "اداره" به معنای عام و مصطلح آن (بعد کارایی) وجود ندارد. این کشور به درجه ای از رشد و بلوغ رسیده است که در آن ضرورت وجود نهاد دولت به منزله تنظیم کننده اقدامات و روابط بین شهروندان چندان احساس نمی شود. پیداست که در نظامهای سیاسی کنونی، یک چنین مصادیقی دقیقاً یافت نمی شود، اما شاید بتوان در نظام های کنفدرال که حداکثر عدم تمرکز و خودگردانی توسط مردم رعایت می شود، تا حدودی این حالت را مشاهده نمود. بطور مثال کشور سوئیس یا مناطق خود گردان در کشور کانادا، تا حدودی به این مدل شباهت دارد.

متسین هپر در مدلی با نام: "انواع حاکمیت و بوروکراسی های ناشی از آن"، چهار نوع حکومت و شش نوع بوروکراسی منبعث از آن را نشان می دهد (هدی، ۱۳۸۱). او در مدل خود، آخرین نوع حکومت را حکومت "پروتاریا"^۱ می نامد. ویژگی اصلی حاکمیت در این الگو، فقدان حکومت و سیستم غنائم جنگی است. این جامعه تا اندازه زیادی به الگوی آرمانی جامعه مدنی هگل شباهت دارد، که در آن هر فرد توان و قابلیت اداره امور را به گونه ای بالفعل دارا می باشد. در این معنا خود "ملت" همان "دولت" است.

اندیشه سیاسی مارکس نیز در آخرین مرحله دیالکتیک تاریخی، به این الگو ختم می شود که جوامع به سطحی از "خود آگاهی" می رسند که علت وجودی دولت، از بین می رود (بشیریه، ۱۳۸۳).

در ادامه وضعیت حکمرانی در این چهار منطقه تشریح و توصیه هایی در قالب استراتژیهای فوق بیان می شود: حالت (C) وضعیت حکمرانی را در منتهی الیه منطقه کارایی کم - اثربخشی کم نشان می دهد. احتمالاً می توان نمونه این حکمرانیها را در منطقه آفریقای شمالی (نظیر سودان، اتیوپی و زئیر) مشاهده نمود. این دسته از کشورها در چرخه ای از فقر و پس انداز ناچیز، عدم سرمایه گذاری، فقدان رشد اقتصادی، ناتوانی و عدم تخصص مردم و دولت مردان، فساد، عدم حاکمیت قانون ... گرفتار شده اند و تقریباً خروج از این ورطه برای این کشورها به رویایی تبدیل شده است. تاکنون کمکهای خارجی و برنامه های سازمانهای مستقل جهانی نتوانسته در وضعیت تاسف بار این کشورها تغییر محسوسی ایجاد نماید. تشکیل یک دولت مقتدر، منضبط و سالم که بر اصلاح بنیادین خط مشی های کلان اقتصادی پرداخته و تاکید بسیار زیاد بر آموزش و ارتقاء سطح فرهنگ مردم نماید توأم با کمکهای خارجی و توصیه های مناسب سازمانهای جهانی، شاید بتواند این کشورها را از این وضعیت خارج نماید و به سطوح بالاتر کارایی و اثربخشی ارتقاء دهد. الزاماً حرکت این گونه کشورها بر روی منحنی باید ابتدا با حرکت به سمت راست یعنی افزایش کارایی دولت خصوصاً در مولفه های اقتصادی و اداری صورت پذیرد و بعد به سطوح بالاتر اثربخشی حرکت نمود. بنابر این استراتژی های بقا، یعنی اصلاح نقاط ضعف داخلی (بعد کارایی کم) و پرهیز از تهدیدات خارجی (بعد اثربخشی کم)، می تواند وضعیت این کشورها را تثبیت نموده و به سمت راست نمودار و نهایتاً نقاط بالاتر ارتقا دهد. در راستای مطالب بیان شده می توان برخی توصیه ها را ارائه نمود:

- تاکید بر تصمیم گیری های شایسته اقتصادی (اقتصاد کلان) به منظور ایجاد فضایی مناسب برای ثبات اقتصادی
- تاکید بر ویژگی حاکمیت قانون
- افزایش کارایی بوروکراتیک و جلوگیری از فساد جهت رفع نیازهای اساسی مردم (تغذیه، بهداشت، مسکن و آموزش)
- تاکید بر عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی

بعد اثر بخشی نیز شود. بدیهی است که راهکار دوم، مورد نظر این رساله می باشد. یعنی این سیستم باید بتواند توام با حفظ ثبات و تعادل، به درجات بالاتری از توسعه یافتگی دست یابد. بکارگیری استراتژی های ظرفیت سازی برای چنین حکمرانی هایی توصیه می شود. در این حالت دولت سعی می کند تا با استفاده از فرصتهای محیطی و توجه به خواسته های مردم، نقاط قوت خویش را افزایش دهد و به سمت نقطه تعادل حرکت نماید.

در این جا یادآوری مجدد این نکته ضروریست که وضعیت حکمرانی حالت (A)، یک وضعیت کاملا فرضی است که تنها برای نشان دادن حدود افراطی بعد کارایی و اثر بخشی، انتخاب شده است زیرا در حالت معمولی، کشورها دارای نسبتهای متفاوتی از این دو بعد هستند و با درجات متفاوتی به وضعیت حکمرانی حالت (A) شباهت دارند.

ج. کشورهایی که از محل فروش منابع استراتژیک خود از سطح بالایی از درآمد سرانه برخوردارند، امکان دارد تا اندازه زیادی از ویژگی های مولفه های اثر بخشی اقتصادی و اثربخشی اجتماعی نظیر رفاه و ثبات اقتصاد کلان، عدالت اجتماعی برخوردار شوند، اما بدیهی است که این نوع از اثربخشی حاصل تلاش دولتها در زمینه ایجاد ارزش افزوده نیست و در نهایت آینده این کشورها چندان روشن نیست. با توجه به این که منابع طبیعی این کشورها زمانی به پایان می رسد، لذا ضرورت دارد که تمهیداتی اساسی در باب افزایش کیفیت مولفه های کارایی اندیشیده شود. فقدان یا کمبود نیروی انسانی متخصص، عدم توجه به تصمیم گیریهای استراتژیک و بلند مدت اجرایی، ضعف در استفاده به صرفه و مقتصدانه از ذخایر کشور و فساد مالی، نکاتی است که باید در زمینه کارایی اداری، مد نظر قرار گیرد. تغییر شیوه در تدوین استراتژی های کلان اقتصادی با محور قرار دادن ایجاد ارزش افزوده از طریق فعالیت های خلاقانه و مبتکرانه انسانها، فضا سازی و ایجاد جو مشارکت اقتصادی در شاخه کارایی اقتصادی، ایجاد بستر مشارکت و افزایش شفافیت توام با حاکمیت قانون در حوزه کارایی سیاسی- اجتماعی از جمله راهکارهایی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در سنت لیبرالیسم، " حکمرانی خوب " در نهایت مترادف با " خود گردانی " است. لیبرالها بر این اعتقادند که در نظامهای دمکراتیک، به میزانی که دامنه انتخابها و آزادی های آگاهانه مردم افزایش می یابد، از ضرورت وجود دست هدایتگر دولت کاسته می شود. در این شرایط دخالت دولت در فراهم آوردن بستر توسعه، از قبیل مشارکت سازی، حاکمیت قانون، ... به حداقل می رسد، زیرا ملت دارای دو ویژگی اساسی یعنی خواست و علاقه زیاد، بلوغ و تخصص بالا و محیط اجتماعی نیز حاکی از وجود توزیع عادلانه ثروت و قدرت است. به نظر می رسد در چنین جامعه آرمانی، تکامل نه به سمت نقطه تعادل (سمت راست) و نه احیاناً به سمت سطوح پایین باشد، بلکه همواره جهت حرکت به سمت بالا اتفاق خواهد افتاد. ب. نگاه واقع بینانه: قبل از تبیین وضعیت حکمرانی (A) با این نگاه، لازم است عنوان شود که موضع مقاله حاضر تطابق بیشتری با این پیش فرض دارد. تصور کنید وضعیت کشوری را که به لحاظ بعد اثربخشی (از قبیل آزادی، عدالت، امنیت ...) در وضعیت مطلوبی بسر می برد، در این شرایط وظیفه دولت (بعد کارایی) نه تنها حفظ چنین موقعیتی است، بلکه توام با افزایش قابلیت های خود، باید بتواند به مطالبات، خواسته ها و احیاناً حمایت های جدید یا به تعبیر دیگر چالش های نشات گرفته از بعد اثر بخشی با کیفیت و کمیت بهتر پاسخ دهد. بدیهی است که در این نمودار فرضی، حرکت کشورها با سرعت های متفاوت (تدریجی - آرام، جهشی - انقلابی) در جهت های مختلف (راست - چپ، بالا - پایین) امکان پذیر است. برای مثال می توان از بین گستره انتخابهایی که برای حکمرانی (A) وجود دارد، به دو راهکار اساسی که در انتها الیه یک پیوستار قرار گرفته است اشاره کرد. این کشور میتواند به سمت پایین نمودار حرکت نموده، خواسته های سیستم را نادیده بگیرد. یعنی به قیمت ثبات کارایی، اثر بخشی را کاهش دهد. یا اینکه با حرکت به سمت راست، علاوه بر افزایش قابلیت بعد کارایی در برابر الزامات محیطی، به سطوح بالاتر اثربخشی بر روی خط تعادل نیز دست یابد. در این حالت حکمرانی (A) باید بطور مداوم خود را به نقاط بالاتر بر روی خط تعادل نزدیک سازد. یعنی ضمن افزایش بعد کارایی، باعث ارتقاء

مدیریتی قوی و هوشمندانه (بعد کارایی) ، به نظر می رسد راهکار مناسب این است که مدیریت سازمان ضمن استفاده از سبکهای مقتدرانه و دستوری و کنترل دقیق منابع ، توجه خود را معطوف برطرف نمودن نیازهای اساسی کارکنان نماید، تا بتدریج سطوح بلوغ ، انگیزه و نوع نیازهای افراد سازمان ارتقا یافته و توام با آن وضعیت سازمان نیز بهبود یابد . استراتژی دولت باید استفاده از نقاط قوت خود در جهت کاهش تهدیدات محیطی (اثربخشی کم) باشد . به تعبیر دیگر بکارگیری استراتژی های توانمند سازی می تواند مفید واقع شود .

بدیهی است که اگر حکمرانی (D) دقیقاً در جهت راست خود و به سمت خط تعادل حرکت نماید ، یعنی از میزان بعد کارایی خود کاسته تا بدین وسیله به نقطه تعادل برسد چندان حرکت مناسبی انجام نداده است ، زیرا در این شرایط نهایتاً سیستم در سطحی بسیار ابتدایی و ساده بر روی خط تعادل قرار گرفته و تغییر در آن به سختی حاصل خواهد شد . اما این کشور می تواند با درک عمیق از وضعیت تاریخی و بستر جامعه به گزینش راهکارهایی از بین سه مولفه کارایی (اداری ، اقتصادی ، سیاسی-اجتماعی) بپردازد و بتدریج به سمت بالا و چپ نمودار، یعنی نقطه ای بالاتر بر روی خط تعادل حرکت نماید.

در مجموع فرایند توسعه در این کشورها به سادگی انجام نخواهد شد . صرف نظر از کشورهای اروپای غربی و پس از آن کشورهای آمریکای شمالی که فرایند مدرنیزاسیون و نهادینه سازی در آنها بتدریج و از درون آغاز شد و فرایند ملت سازی توام با افزایش قابلیت دولتها صورت گرفت ، چشم انداز توسعه در کشورهای دیگر چندان متوازن نبوده است . تقریباً تمام کشورهای که در رده دوم توسعه یافتگی قرار می گیرند ، از قبیل کشورهای آسیای جنوب شرقی ، فرایند توسعه را به سختی، با بکارگیری ابزارهای اعمال خشونت و شیوه های اقتدارمآبانه و با تاکید بیشتر بر یکی از مولفه های کارایی و اثر بخشی ، طی نموده اند . بدیهی است از بین چهار حالت (C) ، (G) ، (H) که بر روی خط تعادل یا نزدیک آن قرار گرفته اند، وضعیت حکمرانی (H) به مراتب از سه حالت دیگر بهتر است . زیرا علاوه برآنکه در منطقه کارایی زیاد - اثربخشی زیاد قرار گرفته ، از منظر وضعیت تعادلی نیز روی خط تعادل

اکنون وضعیت حکمرانی در حالت (D) کاملاً مخالف با وضعیت حکمرانی در حالت (A) است . زیرا این حکمرانی از نظر بعد کارایی در وضعیتی بهتر از بعد اثر بخشی ، قرار دارد . در این کشور ، برآیند کارایی دولت که ترکیبی از مولفه های کارایی است، حکایت از شایستگی های آن دارد اما این شایستگی های بالقوه آن قابلیت های بالفعلی نبوده که توسط مردم جذب شده و مورد حمایت واقع شود.

امکان دارد این کشور در سطحی از توسعه نیافتگی قرار گرفته باشد ، که تلاش در جهت شفاف سازی ، مشارکت سازی و حاکمیت قانون ... منجر به ظهور آزادی های سیاسی و مدنی ، امنیت اجتماعی و یا عدالت اجتماعی نگردد . در این کشورها فرایند مدرن سازی با قیمومیت دولتها آغاز می گردد، اما به دلیل عدم میل به مشارکت و فقدان تخصص و بلوغ فکری ، تعهد و یکپارچگی مردم ، نشانی از جذب و نهادینه شدن تلاش دولتها و در نتیجه توسعه یافتگی به چشم نمی خورد . تعیین جهت و سرعت حرکت حکمرانی (D) به سمت خط تعادل ، به سادگی امکان پذیر نیست اما در این راستا می توان توصیه هایی را ارائه نمود .

در کشورهایی که دارای وضعیت حکمرانی نظیر حالت (D) هستند ، هدایت قوی و کیفی دولت از اهمیت انکار ناپذیری برخوردار است . در این راستا کاهش کارایی دولت به منزله سقوط و اضمحلال سیستم سیاسی خواهد بود ، بنا براین شاید یکی از مناسب ترین گزینه ها این باشد که دولت ضمن حفظ درجه مناسبی از کارایی ، بر ترکیب های متناسبی از مولفه های کارایی و اثربخشی تاکید ورزد . احتمال دارد یکی از عوامل مهم در عدم موفقیت دولتها در دست یافتن به اثر بخشی ، بکارگیری ترکیبهای ناموزون از ویژگی های مولفه های کارایی باشد . شاید بتوان با مثالی در حوزه مدیریت ، وضعیت چنین کشورها و حکمرانی ها را بهتر تحلیل نمود . سازمانی را در نظر بگیرید که منابع انسانی آن از حیث میزان بلوغ فکری و تخصصی ، میزان تعهد و انگیزه و شرایط معیشتی در سطحی بسیار پایین قرار دارند ، علاوه برآن سازمان نیز در شرایط مالی ، تکنولوژی، ... نامطلوبی بسر می برد ، سبک اداره چنین سازمانی چگونه خواهد بود؟ با فرض وجود

• گروه کشورهای با تعادل متوسط یا در اطراف آن (کارایی متوسط- اثربخشی متوسط) در مناطق اروپای شرقی، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی پراکنده اند.

• گروه کشورهای با تعادل پایدار یا در اطراف آن (کارایی زیاد- اثربخشی زیاد) در مناطق اروپای غربی و آمریکای شمالی، استرالیا، نیوزلند و ژاپن واقع شده اند. با استفاده از نمودار تعادل می توان وضعیت حکمرانی کشورها را توصیف و توصیه های لازم را ارائه نمود. این کار مستلزم آن است که شاخص های مناسب ارزیابی برای هر یک از ابعاد و مولفه های حکمرانی را تدوین کرده، اطلاعات لازم در باب شاخصها را با بکارگیری شیوه های مناسب سنجش بدست آورده و پس از تحلیل آنها مشخص نمود که هر کشور در کدام منطقه از نمودار تعادل قرار می گیرد یا عدم تعادل ناشی از ضعف در کدام شاخصهاست. پس از آن می توان استراتژیهای متناسب با موقعیت را برای بهبود وضعیت حکمرانی هر کشور تجویز نموده، اجرا کرد. ذکر این نکته ضروریست که در تبیین وضعیت حکمرانی کشورها می بایست عواملی همچون میزان و ساختار جمعیتی، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک آنها را در نظر داشت. در نتیجه این بخش را با بیان این مطلب به پایان می رسانیم که "هم پایانی"^۱ از ویژگی های دیگر سیستم هاست، بدین معنا که از طرق گوناگون می توان به یک هدف خاص دست یافت، این ویژگی می تواند ما را در انتخاب بهترین مسیر توسعه یاری نماید. در واقع ویژگی هم پایانی، این نکته را یادآوری می کند که با توجه به شرایط و موقعیتهای متفاوت کشورها، می بایست مسیرهای متفاوتی را برای حرکت به سمت توسعه یافتگی انتخاب نمود و تجویزهای یکسان برای همه کشورها، چندان کارساز نخواهد بود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر بر مبنای مطالعات انجام شده در زمینه حکمرانی و مقایسه تعاریف حکمرانی خوب، سعی داشته تا با تعریفی نوین به بازخوانی این اصطلاح بپردازد. در نتیجه، دو مفهوم اکولوژی و تصمیم گیری را به عنوان

واقع شده است. می توان گفت بریتانیا و ایالات متحده آمریکا از نمونه های مشابه حکمرانی (H) محسوب می شوند. استراتژی های رشد می تواند در اینگونه حکمرانی ها کارساز باشد، زیرا این کشورها در بعد کارایی و در بعد اثربخشی دارای نقاط قوت و فرصت می باشند و با بهره گیری از نقاط قوت خود می توانند از فرصتهای خارجی استفاده نمایند.

هرچه از سطوح بالای خط تعادل به سطوح میانی حرکت نماییم، تنوع وضعیت حکمرانی کشورها رو به فزونی می رود. به تعبیر دیگر تشابهات بین ویژگی های حکمرانی کشورهای توسعه یافته خیلی بیشتر از تفاوت های آنهاست در صورتیکه در قسمتهای میانی نمودار این قضیه برعکس اتفاق می افتد. به عبارت دیگر تنوع و پراکندگی حکمرانی در ناحیه میانی نمودار تعادل چشم گیر است. برخی از این حکمرانی ها در میانه نمودار و سمت راست خط تعادل قرار می گیرند، به این معنا که از بعد کارایی بالاتری برخوردارند و برخی دیگر در سمت چپ خط تعادل قرار می گیرند، یعنی نسبت به کارایی از اثربخشی بیشتری برخوردارند. در جهان کنونی اکثر حکمرانی ها در این ناحیه واقع شده اند. در عین حال هرچه از سطوح میانی به سمت قسمتهای پایین خط تعادل حرکت نماییم، مجدداً بر میزان تشابه وضعیت حکمرانی کشورها افزوده می شود، به طوری که ویژگی حکمرانی توسعه نیافته ترین کشورها به شدت به هم شبیه است. در نمودار تعادل، وضعیت حکمرانی حالت (E) به مراتب بهتر از وضعیت حکمرانی حالت (D) است، زیرا علاوه بر آنکه حکمرانی (E) در مرتبه ای بالاتر از حکمرانی (D) قرار دارد، به خط تعادل نیز نزدیک تر است. در یک طبقه بندی کلی می توان کشورها را به لحاظ وضعیت حکمرانی نسبت به خط تعادل به سه دسته اساسی تقسیم بندی نمود:

• گروه کشورهای با تعادل ایستا یا در اطراف آن (کارایی کم- اثربخشی کم) اکثراً در مناطق آفریقای شمالی و خاورمیانه قرار دارند و جزء حکمرانی های ضعیف محسوب می شوند.

متعادل و پایدار، به انتخاب هوشمندانه نسبت‌های متناسب با موقعیت ویژگی‌ها، بستگی دارد.

از دیدگاه این پژوهش، کارایی و اثربخشی مفاهیمی هنجاری محسوب می‌شوند که می‌بایست بنابر موقعیت خاص هر کشور شاخصها و مصداق‌هایی برای تعریف و ارزیابی آنها بدست آورد. این رهیافت دو مزیت به همراه دارد. به این معنا که ضمن رعایت و حفظ یک نگاه کلی و سیستماتیک بر حکمرانی خوب و پرهیز از جهان‌شمول‌گرایی و مطلق‌گرایی، دست پژوهشگران و دولتمردان برای یافتن شاخصهای متناسب با اوضاع و احوال کشورها همواره گشوده خواهد بود. برخی از نوآوریهای پژوهش حاضر عبارت است از:

- تطبیق و مقایسه مطالعات و توجه به همگرایی آنها
- جمع بندی ویژگیها تحت یک عنوان کلی نظیر آزادی، عدالت، ثبات... و پرهیز از تکرار ویژگیهای مشابه
- جمع آوری، تفکیک و طبقه بندی شاخصهای هر یک از ویژگیهای حکمرانی خوب و طراحی جدول شاخصهای ارزیابی حکمرانی
- طرح مفهوم تعادل در اکولوژی حکمرانی و ارائه یک تعریف نوین از حکمرانی.
- طراحی نمودار تعادل حکمرانی که دارای قابلیت کاربرد در توصیف وضعیت حکمرانی کشورهاست.
- تفکیک و طبقه بندی متعادل ویژگیهای ابزاری - ارزشی با بهره گیری از دو مفهوم کارایی - اثربخشی.
- پوشش دادن همزمان الگوها و نظریه های مطرح در حوزه های علمی مختلف مانند اقتصاد، سیاست مدیریت، توسعه، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی و یکپارچه کردن مطالعات حکمرانی در قالب الگوی پیشنهادی حکمرانی خوب.
- ارائه یک الگو سیستماتیک که توان توصیف وضعیت حکمرانی کشورهای مختلف را دارد و همزمان می‌توان تجویزهای لازم را ارائه نمود.

جوهره حکمرانی و سه ویژگی کارایی، اثربخشی و تعادل اکولوژیک را به عنوان مشخصه های اساسی جوهره مذکور پیشنهاد نمود. بدست دادن جوهره حکمرانی و استخراج ویژگیها از درون این جوهره از مزیت‌های پژوهش حاضر بشمار می‌رود.

به تعبیر این مقاله حکمرانی تنها دولت، مدیریت، سیاست، اقتصاد... نیست، بلکه اکولوژی متشکل از انواع محیط‌ها، نهادها، فعالیتها، کارکردها، برنامه‌ها و اهداف است که در فرایندی تعاملی و پیچیده به حیات خود ادامه می‌دهد. همانطور که امکان نابودی و اضمحلال یا رشد و شکوفایی برای اکولوژی‌ها وجود دارد، چرخه حیات حکمرانی‌ها نیز دچار تغییر و تحول می‌گردد.

ورود مفهوم تعادل به معنای موزانه ای پایدار در درون ویژگیها و روابط میان ویژگیها با یکدیگر و با زمینه اکولوژی از دیگر امتیازات این تعریف است. تعادل اصل مهم اکولوژی حکمرانی برای بقا و تکامل آن است.

مشخصه اصلی تعریف پیشنهادی، تفاوت دیدگاهی است که نسبت به پژوهشهای قبل از خود برگزیده است. تعریف پیشنهادی، حکمرانی خوب را با نگاهی ابزاری - ارزشی صورت بندی نموده است. از این منظر حکمرانی خوب هم درباره تمهیدات و فرایندهاست (آنچه که انجام می‌دهیم) و هم درباره نتایج و پیامدها (آنچه که می‌خواهیم بشویم).

تقسیم دو بعد کارایی و اثربخشی به حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری نشان از نگاه و تاکید این مقاله بر چند بعدی بودن حکمرانی است. در نتیجه تعاملات و ارتباطات میان حوزه های مذکور، مسئله دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. هر یک از این حوزه ها، بعنوان جزئی از یک سیستم باز محسوب می‌شوند، تغییر در هر یک از آنها سبب بروز تحولاتی در سایر حوزه ها خواهد شد.

نکته آخر اینکه، هرگونه تجویز و توصیه ای در باب حدود ابعاد کارایی و اثربخشی در حوزه های مختلف، باید با توجه به موقعیت منحصر به فرد هر کشور انجام پذیرد. هدف از حکمرانی خوب، دستیابی به توسعه ای انسانی، متعادل و پایدار است. اما الزاما این هدف به معنای انتخاب های برابر ویژگی‌ها نخواهد بود. در حقیقت تحقق توسعه ای

منابع و مآخذ :

۱. الوانی، سید مهدی (۱۳۶۹)، "تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی"، انتشارات سمت
۲. الوانی، سید مهدی، فتح‌شریف زاده (۱۳۷۹)، "فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی"، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، "جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی"، نشر نی، چاپ دهم
۴. ترنر، مارک و دیوید هیوم (۱۳۷۹)، "حکومت‌داری، مدیریت و توسعه: چگونه دولت کارآمد داشته باشیم؟"، ترجمه عباس منوریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
۵. رابینز، استیفن پی (۱۳۸۵)، "مبانی مدیریت"، ترجمه سید محمد اعرابی، محمد علی حمید رفیعی و بهروز اسراری ارشاد، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ چهارم
۶. رابینز، استیفن (۱۳۷۹)، "نظری سازمان (ساختار، طراحی، کاربردها)"، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، انتشارات صفار، چاپ سوم
۷. رضائیان، علی (۱۳۸۵)، "مبانی سازمان و مدیریت"، انتشارات سمت
۸. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۶)، "تجزیه و تحلیل سیستم‌ها (مبانی سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت)"، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول
۹. فخریمی، فرزاد (۱۳۷۹)، "سازمان و مدیریت"، نشر هستان، چاپ اول
۱۰. فرشاد، مهدی (۱۳۶۲)، "نگرش سیستمی"، انتشارات امیرکبیر
۱۱. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، "حکمرانی خوب بنیان توسعه"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول
۱۲. هدی، فرل (۱۳۸۱)، "اداره امور تطبیقی"، ترجمه سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، اندیشه‌های گوهر بار
۱۳. هیوز، آون (۱۳۸۰)، "مدیریت دولتی نوین"، ترجمه سید الوانی، غلامرضا معمارزاده، سهراب خلیلی شورینی، نشر مروارید
14. Court, J. (2002) "Opportunities and Challenges in Assessing Governance and Human Rights: Findings from a Survey of 16 Developing and Transition Countries", paper prepared for the Seminar on Human Rights and Statistics, Brussels 27-29 November 2002.
15. Graham, John et al (2003) " Principle For Good Governance in the 21 Century" , Plicy Brife , No.15. <http://www.iog. Ca>
<http://www.wikipedia>
16. Kaufmann, D., Kraay, A. and Zoido-Lobaton, P. (1999), "Governance Matters", Policy Research Working Paper No. 2196, Washington DC: World Bank
17. Kaufmann, D., Kraay, A. and Zoido-Lobaton, P. (2002), "Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01", Policy Research Working Paper No. 2772, Washington DC: World Bank.
18. Kaufmann, D., Kraay, A. Mastruzzi, M. (2006) "Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2006", presented at: <http://www.govindicators.org>.
19. Landman, T (2003) " Map Making and Analysis of the Main International Initiatives on Developing Indicators on Democracy and Good Governance" , University of Essex : Human Rights Center .
20. OECD (1995), Participatory Development and Good Governance , Paris :OECD , 1995.P:14.
21. Merriam – Webster's Collegiate Dictionary (2004), Eleventh Edition
22. Riggs, Fred W. (1970) " Development Administration Cite in Development Administration in Asia" , Edited by Edvard W. Weidner, Duke University Press, Durham North Carolina.
23. Schneider, H. (1999), "Participatory Governance : The Missing Link for Poverty Reduction" Policy Brief No .179 Paris : OECD
24. Stillman, Richard J (2005) The study of Public Administration in United States : "The Eminently Practical Science "
25. The Mahbub ul Haq Human Development Center (19) Human Development in South Asia: The Crisis Of Governane , Oxford University Press , P: 28.

-
26. United Nations Development Program (1997), Governance for Sustainable Human Development, New York: Oxford University Press, 1997.
 27. United Nations Development Program (2002), Human Development Report, New York: Oxford University Press, 2002.
 28. Warren, Mark. E 'Civil Society And Good Governance' Department Of Governance 'Georgetown University
 29. Weiss, Thomas G (2000) " Governance , Good Governance and Global Governance , Conceptual and Actual Challenges" , Third World Quarterly , Oct 2000, Vol 21, Issue 5, PP: 795-815
 30. World Bank (1992) , World Development Report , New York: Oxford University Press, 1992
 31. World Bank (1997) , World Development Report 1997 : The State in a Changing World , New York: Oxford University Press , P: 31.
 32. World Bank (2000) , World Development Report , New York: Oxford University Press, 2000